

ریحانہ (۱)

پیش وپانچ ہائی انڈسٹری اموزی

# مقام و جایگاہ زن



سید جعفر حق شناس

مقام و جایگاہ زن

# مقام و جایگاه زن

تألیف :

سید جعفر حق شناس



شرکت چاپ و نشر بین الملل

سرشناسه : حق شناس ، سید جعفر ، ۱۳۳۱ -  
عنوان و نام پدید آور : مقام و جایگاه زن / سید جعفر حق شناس  
مشخصات نشر : تهران : سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل ، ۱۳۹۰  
مشخصات ظاهری : ۹۲ ص  
شابک : 978-964-304-423-7  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : زنان در اسلام -- پرسش ها و پاسخ ها  
شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ م ۷ ج ۶۶ / ۱۷۲ / BP۲۲۰  
رده بندی دیویی : ۳۹۷/۲۸۳۱  
شماره کتبخانی ملی : ۲۳۳۱۲۴

## شرکت چاپ و نشر بین الملل



نام کتاب: مقام و جایگاه زن  
مؤلف : سید جعفر حق شناس  
با همکاری : پژوهشکده باقر الموم (ع)  
نویسندگان: اول - پاییز ۱۳۹۰  
لیتوگرافی: الوان  
چاپ و صحافی: سپهر  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال  
ویراستار: زهره آزادی  
مسئول تولید: شریف ثنائیسته  
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۲۳-۷

دفتر مرکزی:  
تهران: میدان استقلال  
سعدی جنوبی - پلاک ۲ -  
طبقه سوم  
تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۹۲۳۹۵۹  
نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:  
میدان فلسطین - ضلع  
شمال شرق ، پلاک ۴ و ۵  
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۹۲۱۹۸۰  
نمابر: ۸۸۹۰۳۸۴۳

E-mail:  
intpub@intpub.ir  
www.intpub.ir

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از ژیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در کیهان در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست مطالب

- مقدمه ..... ۱
- ۱) بیش از اسلام زن چه جایگاهی در اقوام و ملل داشته  
است؟ ..... ۵
- ۲) آیا از نظر اسلام، مرد ارزشمندتر از زن است؟ آیا  
اسلام زن را جنس دوم و در رده پایین‌تر از مرد به  
حساب می‌آورد؟ ..... ۱۰
- ۳) مقام و ارزش زن در دین‌های یهودیت و ..... ۱۴  
و مسیحیت در مقایسه با اسلام چگونه ترسیم شده است؟  
..... ۱۴
- ۴) آیا زن در برخورداری از مقام ایمان و عمل صالح  
تفاوتی با مرد دارد؟ چه آیاتی از قرآن در این زمینه نازل  
شده است؟ ..... ۲۳
- ۵) آیا این سخن درست است که خداوند پس از آفرینش  
حضرت آدم - علیه‌السلام همسرش حوا را از دنده چپ او  
آفرید و زن را در آفرینش، تابع مرد و جنس دوم قرار داد؟  
..... ۲۷
- ۶) آیا در قرآن از زنان و الامقام و نمونه، نام و ذکرى به  
میان آمده است؟ ..... ۳۲
- تطهير و باکدامنى: ..... ۳۴
- در اصطلاح دینی، این چنین افراد را «محدث» نامیده‌اند  
یعنی کسی که ملانکه با او گفتگو کرده‌اند. ..... ۳۹

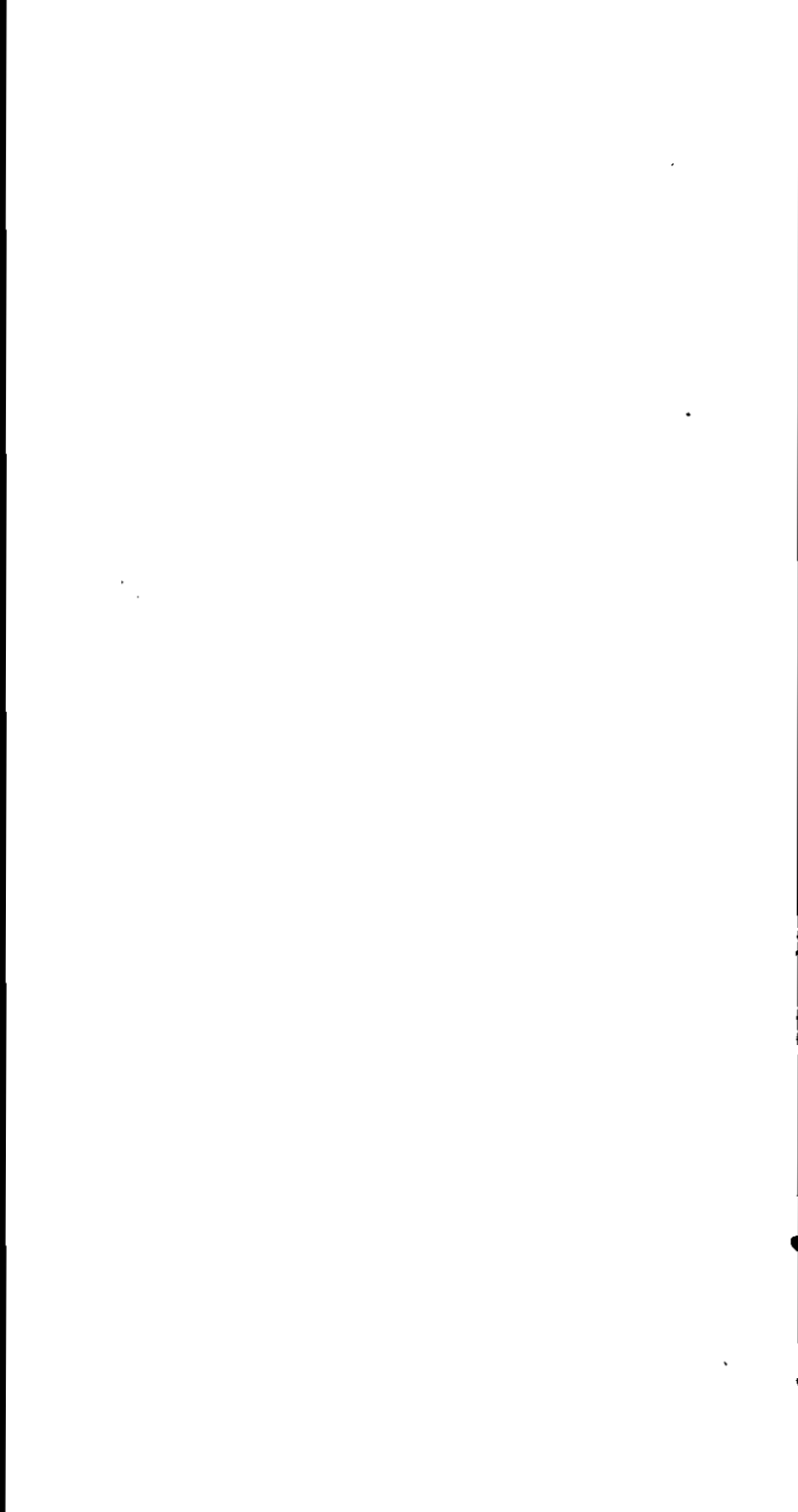
- ۷) تفاوت‌های زن و مرد در چه ابعاد و زمینه‌هایی است؟  
 آیا این تفاوت‌ها تبعیض نیست؟ آیا مرد به دلیل برخی از ویژگی‌های طبیعی، برتر و بهتر از زن است؟ ..... ۴۳
- ۸) آیا در منابع اسلامی، دلیلی بر وجود تفاوت‌های روحی و روانی میان زن و مرد وجود دارد؟ ..... ۴۸
- ۹) آیا احادیثی که در آنها سخن از نقصان عقل زنان به میان آمده است، از معصومین صادر شده است؟ اگر چنین است آیا زنان واقعاً ناقص‌العقل هستند؟ ..... ۵۱
- ۱۰) آیا تفاوت‌های جسمی و روحی و روانی میان زن و مرد لزوماً تفاوت در جایگاه و مسئولیت‌ها را به دنبال دارد؟ آیا نمی‌توان با وجود تفاوت‌های متعدد زن و مرد، جایگاه و حقوق و وظایف مشابه و یکسانی را در سطح خانواده و اجتماع برای آن دو در نظر گرفت؟ ..... ۵۷
- ۱۱) با آنکه گفته می‌شود همه در برابر قانون مساوی هستند، چرا حقوق زنان و مردان متفاوت است؟ ..... ۶۱
- ۱۲) چرا در بسیاری از جوامع، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دهند؟ نظر اسلام در این زمینه چیست؟ ..... ۶۳
- ۱۳) مردسالاری و پدرسالاری در خانواده یعنی چه؟ چرا در خانواده‌های ایرانی روحیه مردسالاری و پدرسالاری وجود دارد؟ اسلام در این زمینه چه نظری دارد؟ ..... ۶۶
- ۱۴) فمینیسم چیست؟ آیا فمینیسم از حقوق زنان دفاع می‌کند؟ ..... ۶۹
- فهرست منابع ..... ۷۷

---

## مقدمه

---





## مقدمه

همه کسانی که با جوانان و نوجوانان امروز ایران سروکار دارند به خوبی می‌دانند که یکی از مهمترین نیازهای این قشر، پرسش‌های دینی آنان است. در میان نوجوانان، دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان، بیشترین سؤالات دینی را دارند. بسیاری از آنان می‌خواهند بدانند چرا مسلمانند؟ حقیقت اسلام چیست؟ دستورات دینی مبتنی بر چه حکمت‌ها و فلسفه‌هایی است؟ آیا هر چیزی که به نام دین و دین‌داری در جامعه امروز مطرح است همگی از دین است؟ یا آنکه خرافات و برداشت‌های غلط نیز در آنها وجود دارد؟ آمارهای به دست آمده از پرسش‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در طی سال‌های اخیر به خوبی نشان از خلأ تئوریک و حجم وسیع پرسش‌ها و ابهامات آنان دارد که باید به شیوه صحیح و منطقی پاسخ داده شود.

اعتقاد ما بر این است که در پاسخ به سؤالات دینی باید صریح، شفاف و شجاعانه پاسخ‌های صحیح را با زبانی ساده اما با منطقی محکم و





مستدل در اختیار مخاطبان گذاشت و از مجمل-  
گویی، قلم‌فرسایی و عبارت‌های شعارگونه خودداری  
کرد. درست است که نوشتن و سخن گفتن با زبان  
احساس، معمولاً به سرعت در مخاطب اثر می-  
گذارد، اما به اعتقاد ما بیان محکم، منطقی و مبتنی  
بر آموزه‌های دینی بسیار ماندگار و تأثیرگذار است و  
روح و اندیشهٔ مخاطب را به ساحل آرامش رسانده او  
را سیراب می‌سازد.

پرسش‌های مطرح شده در نوشتار حاضر، همان  
سؤالاتی است که از سوی مخاطبان مطرح شده‌اند  
و البته گاه اندکی ویرایش و بازسازی شده‌اند و در  
ارائه پاسخ‌ها ضمن توجه به اختصار و روانی،  
کوشش شده است پاسخ‌ها مستدل و مستند باشند و  
تفکر اسلامی، محور اساسی پاسخ‌ها باشد هرچند  
که تکیه بر دانش‌های عقلی و تجربی بشر نیز مورد  
توجه بوده است.

زن هرچند در گذشتهٔ تاریخ بشر از مقام و جایگاه  
بایسته‌ای برخوردار نبوده است، آفریدگار هستی او را  
با عنوان والای انسانیت و در کنار مرد، خلیفهٔ الهی  
و مسجود ملائک قرار داده است. بازیابی و احیای  
شخصیت واقعی زن و شناخت و تفکیک نقش‌های



جنسیتی زن و مرد، از اولویت‌های عصر حاضر یعنی عصر تشابه‌گرایی و همانندسازی زن و مرد است.

آنچه پیش روی شماست پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که به مباحث مقام و جایگاه زن می‌پردازد. به امید آنکه مخاطبان به ویژه نوجوانان و جوانان عزیز پاسخ برخی از پرسش‌های خویش را بیابند و به کارشان آید.

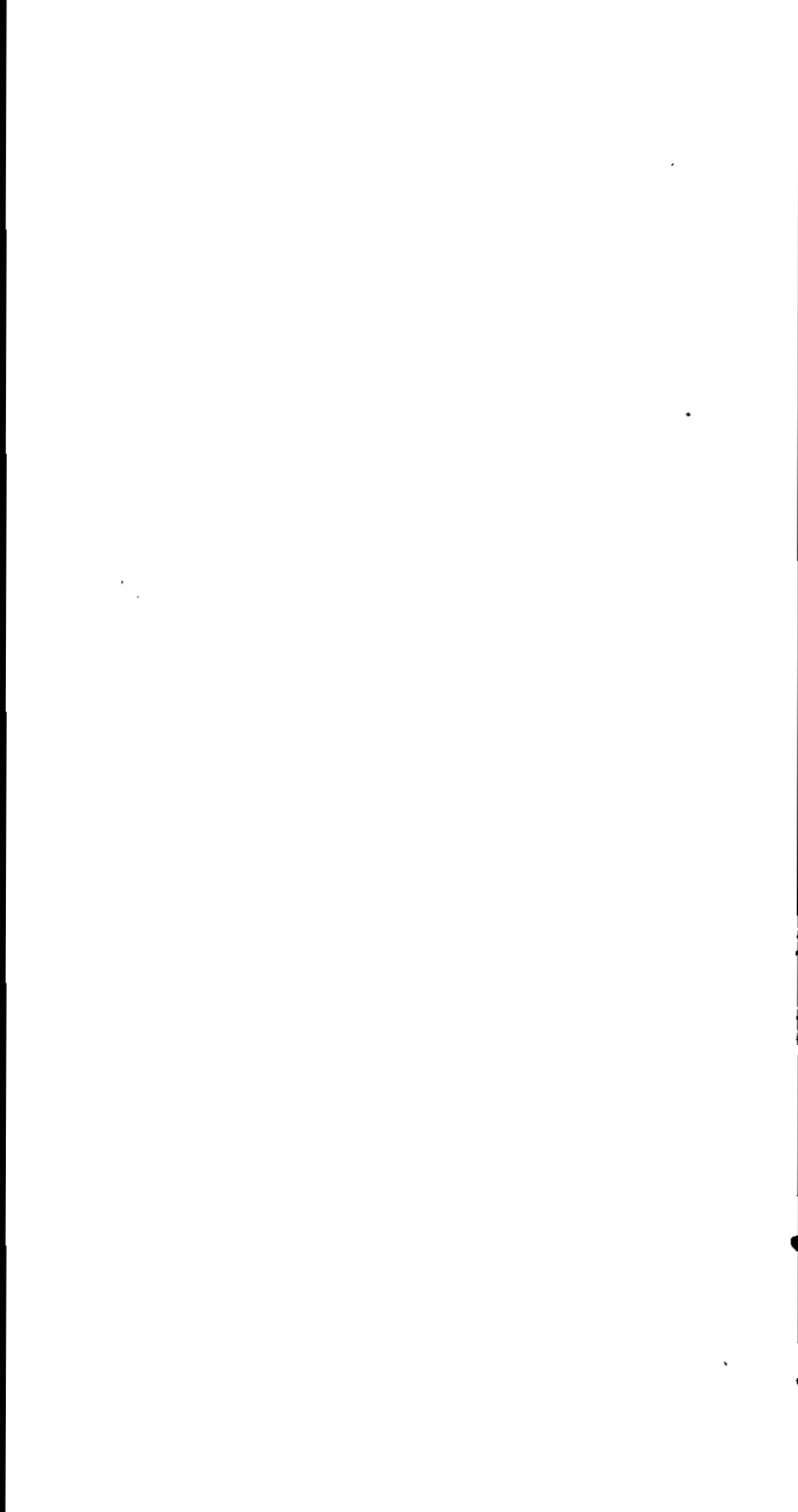
امیدوارم که اساتید محترم و دانش‌آموزان عزیز با پیشنهادهای و انتقادات خود، نویسنده را بهره‌مند سازند. خدای مهربان را بر این توفیق سپاسگزارم و همواره از او مدد می‌جویم. انّه ولی التوفیق.

پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

سید جعفر حق‌شناس

قم مقدس - بهار ۱۳۹۰





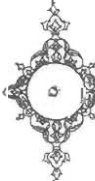
## زن در اقوام و ملل گذشته

۱) پیش از اسلام زن چه جایگاهی در اقوام و ملل داشته است؟

به گواهی تاریخ زن بدترین دوران حیات خود را در دوره پیش از اسلام گذرانده است؛ تا آن جا که در انسان بودن زن شک و تردید داشتند و او را از بسیاری از حقوق مسلم انسانی محروم می ساختند. زن در جوامع گذشته، حتی جوامع متمدنی چون ایران و روم، از بسیاری از حقوق مادی و معنوی هم چون حق مالکیت، حق انتخاب همسر، حق ارث، حق وصیت، مهریه و نفقه و... محروم بوده است. اینک نگاهی به حقوق و شخصیت زن در ملل و اقوام پیش از اسلام می افکنیم.

### زن در ایران:

در درخشان ترین دوره حیات اجتماعی زن در ایران پیش از اسلام یعنی عصر ساسانیان زن شخصیت حقوقی نداشت. دکتر "گریستین سن" در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» می نویسد: «در ایران عصر زرتشتی، ازدواج با محارم و نزدیکان نه تنها مقدس بوده، گناهان کبیره را محو می کرده



است. در ایران باستان ازدواج، نوعی خرید و فروش به شمار می‌رفت و زن جزو اموالی بود که در معرض خرید و فروش واقع می‌شد. «شوهر هیچ تعهدی در زمینه نفقه همسران متعدد خود نداشت و تنها وظیفه داشت به زن ممتاز (سوگلی) خود غذا دهد.

در سروده‌های قدیمی و مذهبی ایرانیان آمده است: «پدران از خدا مسألت نمی‌کنند که دختری به ایشان روزی کند و فرشتگان، دختران را از نعمتهایی که خدا به آدمی بخشیده به شمار نمی‌آورند.» در ایران باستان، چنانچه شوهر از تأمین معاش و مایحتاج همسر و فرزندان ناتوان بود، حق داشت آنان را بفروشد و با فروش یکی از آنان، هزینه زندگی دیگران را فراهم سازد.

در جامعه ساسانی، مردان اختیارات وسیعی در قبال زنان و فرزندان داشتند از جمله آنکه مرد می‌توانست زن را از دارایی و ارث خود محروم سازد یا زن را بفروشد.

### زن در روم:

برخلاف آنچه تصور می‌شود، در امپراتوری متمدن روم نیز زن از شخصیت و حقوق انسانی محروم بوده است. قانون روم زنان را به بندگی



می‌گرفت. علمای روم، زن را ناپاک و فاقد روح مجرد می‌دانستند و ارزش او را بیشتر از اسب خویش نمی‌دانستند و به این ضرب‌المثل رومی عقیده داشتند که: زن را نمی‌توان انسان نامید. دختران رومی به‌طور کلی از ارث محروم بودند و ارث تنها به فرزندان مذکر اختصاص داشت. محرومیت زن تنها از ارث نبود؛ تقریباً از بیشتر حقوق انسانی و اجتماعی محروم بود و در شمار محجورین (کسانی مثل کودکان که از تصرف در اموال خود ممنوع شده‌اند قرار داشت.

### زن در یونان:

در یونان قدیم هم که بیشتر مواقع با امپراتوری روم وحدت سیاسی و اجتماعی داشت، وضعیت زن بهتر از روم نبود و آنان نیز زن را هم‌چون بردگان می‌دانستند. زن هم‌چون کالا خرید و فروش می‌شد و وجودش را شیطانی می‌دانستند. در «اسپارت» وقتی از این که زن فرزند پسر به دنیا آورد مأیوس می‌شدند، او را به مرگ محکوم می‌کردند.

در یونان نیز دختری که ازدواج می‌کرد از ارث پدر محروم می‌شد و در ارث شوهر هم هیچ سهمی نداشت. در قوانین یونان باستان، پدری که پسر



نداشت و دارای چندین دختر بود، می‌توانست یکی از دختران خود را به ازدواج پسری درآورد و آن پسر را به جای پسر خود، وارث خویش قرار دهد.

زنان حق عقد قرارداد و خرید و فروش نداشتند و حق طرح دعوا در دادگاه نیز برای زنان وجود نداشت زیرا آنان فاقد شایستگی قانونی بودند.

### زن در عربستان:

در جامعه عربستان پیش از اسلام، عفت و پاکدامنی وجود نداشت تا آنجا که همه روابط جنسی را مجاز می‌دانستند، نه فقط مردان همسردار به عفت پایبند نبودند، زنان شوهردار نیز به رعایت عفت بی‌توجه بودند.

قتل زن در صورت نافرمانی، کاری عادی بود و زنده‌به‌گور شدن زن، تنها پاسخ شکایت او بود. مالکیت زن گاه بین چندین مرد تقسیم می‌شد یا از یکی به دیگری انتقال می‌یافت. زن نه تنها نسبت به چیزی مالکیت نداشت، بل بر جسم و جان خویش نیز مالک نبود به طوری که او را گاه به عنوان پاداش یا خراج و باج یا اجاره به دیگری واگذار می‌کردند.



در صورت مرگ پدر نیز فرزندش مجاز بود با نامادری خود ازدواج کند یا با جلوگیری از ازدواج مجدد وی، او را در خانه خود زندانی کند تا پس از مرگ زن، وارث اموال او شود.

در برخی از قبایل عرب از جمله بنی‌اسد و بنی‌تمیم، زنده‌به‌گور کردن دختران رایج بود؛ چراکه آن‌ها از داشتن دختر عار داشتند؛ چون دختر توانایی جنگیدن برای قبیله را نداشت و اگر به دست دشمن اسیر می‌شد، موجب سرشکستگی قبیله بود یا به گفته قرآن، از ترس فقر دست به این کار می‌زدند. البته رسم کشتن دختران، عمومی نبود. یکی از زشت‌ترین رفتارها نسبت به زن در جامعه عرب این بود که هنگام قحطی و میهمانی، گوشت زن را مورد استفاده قرار می‌دادند. وضعیت زن در دیگر کشورها و مناطق جهان از جمله هندوستان، چین، روسیه، ژاپن، آفریقا و مصر نیز بسیار اسفبار و دردآور بوده است.<sup>۱</sup>



۱. ر.ک: محمد حکیم‌پور، زن در کشاکش سنت و تجدد، صص ۷۲-۹۲.

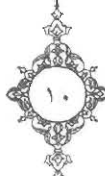


## زن در اسلام

۲) آیا از نظر اسلام، مرد ارزشمندتر از زن است؟ آیا اسلام زن را جنس دوم و در رده پایین‌تر از مرد به حساب می‌آورد؟

از دیرباز در بسیاری از جوامع زنان در موقعیت فروتری نسبت به مردان قرار داشته و از برخی حقوق انسانی خویش محروم بوده‌اند. زن موجودی حقیر و درجه دوم محسوب می‌شده و جایگاه ارزشمندی در خانواده و اجتماع نداشته است. متأسفانه این نگاه امروزه نیز نزد برخی از اقوام حتی برخی از ملل مسلمان نیز به چشم می‌خورد. از سوی دیگر تفاوت‌هایی که در حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد در احکام و معارف اسلامی وجود دارد، این برداشت را پدید آورده است که گویا اسلام هم نگرشی تحقیرآمیز و درجه دوم به زنان دارد. مخالفان اسلام هم آشکارا زن‌ستیزی و تحقیر زن را به اسلام نسبت می‌دهند.

برای مقایسه جایگاه زن و مرد در اسلام، قبل از هر چیز باید به سراغ آیات قرآن کریم رفت. قرآن در



بسیاری از آیات، انسان را مخاطب خود قرار داده است و سخن از خلقت انسان به میان آورده است. قرآن زن و مرد را انسان می‌داند و هر دو را در انسانیت، مشترک می‌داند. قرآن به روشنی ماجرای خلقت انسان از خاک را در آیات خود نقل کرده و در آن آیات، از دمیده شدن روح الهی در انسان سخن گفته است.<sup>۳</sup> در آیات فطرت نیز فطرت الهی میان زن و مرد مشترک است.<sup>۴</sup> قرآن هدف از خلقت انسان (زن و مرد) را مقام عبودیت و بندگی و اطاعت در برابر خداوند بیان می‌کند و با این بیان نشان می‌دهد که زن و مرد در هدف آفرینش نیز تفاوتی ندارند.<sup>۵</sup>

پس از بیان این نکته که قرآن زن و مرد را در انسانیت و هدف خلقت یکسان می‌داند، مهمترین مطلب در بیان ارزشمندی یکسان زن و مرد از منظر قرآن، این خطاب است: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ همانا گرامی‌ترین و ارزشمندترین شما در نزد

۳. رک: تین(۹۵):۴؛ علق(۹۶):۲؛ انسان(۷۶):۲.

۳. حجر(۱۵):۲۹.

۴. روم(۳۰):۳.

۵. داریات(۵۱):۵۶.

خداوند باتقواترین و پرهیزگارترین شماسست ﴿ این سخن به روشنی، تنها عامل ارزشمندی در پیشگاه خداوند را ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و معنوی می‌شمرد و نقش هر عامل دیگر را نفی می‌کند. به عبارت دیگر، عواملی هم‌چون نژاد، رنگ، زبان، ملیت، قومیت، ثروت، قدرت و نیز جنسیت یعنی زنانگی و مردانگی نقشی در جایگاه ارزشی انسان در دستگاه الهی ندارند. بنابراین صرف زن یا مرد بودن نقشی در ارزشمندی انسان ندارد. آنچه انسان را ارزشمند می‌کند ارزش‌های انسانی و الهی است. از این رو چنانچه از برخی از روایات و احکام اسلامی، این تصور به ذهن برخی خطور کند که مرد موجود برتر است، این آیه به صراحت چنین برداشتی را به شدت نفی کرده و تساوی ارزشی زن و مرد را با قوت اعلام کرده است.

افزون بر آنچه گفته شد، وجود زنان ارزشمندی هم‌چون فاطمه زهرا علیها السلام، خدیجه علیها السلام، مریم علیها السلام و زینب علیها السلام و دیگر زنان بزرگ تاریخ نشان می‌دهد که در آفرینش الهی، زنان نیز هم‌چون مردان به



عالی‌ترین مراتب انسانی دست می‌بایند و زن و مرد در مسیر تعالی و تقرب، برتری جنسیتی ندارند.

قرآن کریم در برخی از آیات خود زنان و مردان را در دست‌یابی به صفات عالی انسانی مساوی و همسان می‌شمرد و مغفرت الهی را پایان اعمال صالح آن دو می‌داند؛ آن‌جا که می‌فرماید: ﴿هرکس عمل شایسته انجام دهد - چه زن چه مرد - در حالی که به خداوند ایمان دارد، ما او را زندگی و حیات پاکیزه می‌بخشیم﴾<sup>۷</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿همانا مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راست‌گو، مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاک‌دامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای آنان مغفرت و پاداشی فراهم ساخته است﴾.<sup>۸</sup>



۷. نحل (۱۶): ۹۷.

۸. احزاب (۳۳): ۳۵.

## مقایسهٔ مقام زن در یهودیت، مسیحیت و اسلام

۳) مقام و ارزش زن در دین‌های یهودیت و مسیحیت در مقایسه با اسلام چگونه ترسیم شده است؟

در هر دوره‌ای از دوران‌های حیات بشر خداوند برای هدایت و سرپرستی انسان‌ها، دین و تعالیم الهی را برای بشر فرو فرستاده و رسولان و پیامبران را سفیران و نمایندگان خویش در میان انسان‌ها قرار داده است تا آنان را به سوی حق و عدالت راهبری کنند. آموزه‌ها و فرامین الهی بیان شده توسط پیامبران، همگی در جهت سعادت بشر بوده است و تفاوت اساسی میان آنها وجود ندارد. قرآن می‌فرماید: «پیامبر [خدا] به آن‌چه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان الهی و کتاب‌های آسمانی و فرستادگان خداوند ایمان آورده‌اند [و می‌گویند]: میان هیچ یک از فرستادگان خدا فرق



نمی‌گذاریم.»<sup>۹</sup> بی‌تردید حقیقت شخصیت زن و مرد و فطرت الهی آن دو در عالم آفرینش، در طول دوران‌های حیات بشر همواره ثابت بوده و تعالیم ادیان الهی نیز همگی در همین چارچوب نازل شده‌اند. امکان ندارد که خداوند حکیم، در یکی از ادیان، زن را پست و حقیر شمارد و در دیگری بزرگ و با عظمت معرفی کند اما متأسفانه به دلیل پیدایش تحریف در ادیان بزرگ پیشین هم‌چون یهودیت و مسیحیت، تصویری از زن ارائه شده است که با تصویر زن در قرآن، متفاوت است. در این‌جا به اختصار چهره زن در یهودیت و مسیحیت را با آنچه در اسلام آمده است مقایسه می‌کنیم.

#### گناه ذاتی زن در یهودیت و مسیحیت:

دیدگاه یهودیت و مسیحیت درباره آفرینش آدم و حوا از کتاب عهد عتیق اخذ شده است. خداوند هر دوی آنها را از خوردن میوه درخت ممنوع برحذر داشت. ابلیس به شکل مار درآمد و حوا را فریب داد تا آن میوه را بخورد و آدم را بفریبد تا او نیز میوه ممنوعه را بخورد. آنگاه خداوند آدم را بر آن خطا

۹. بقره (۲): ۲۸۵.



سرزنش کرد و او همه تقصیرها را به گردن حوا  
انداخت و گفت: «زنی که در این جا در کنار من قرار  
دادی، مقداری از میوه آن درخت را به من داد و من  
آن را خوردم.»<sup>۱۰</sup>

تصویر حوا به منزله اغوا کننده آدم در انجیل،  
تأثیری بسیار منفی بر جایگاه زن در هر دو دین  
یهودی و مسیحی گذاشته است. آنان معتقدند همه  
زنان گناه مکر و نیرنگ را از مادرشان حوا ارث  
برده‌اند و تمام آنان غیرقابل اعتماد و از نظر اخلاقی،  
پست و بد ذاتند. در بخشی از عهد عتیق به نام  
موعظ سلیمان آمده است: «زنی را که مثل دام و  
تله است، قلبش نیرنگ و دستانش حلقه‌های زنجیر  
است، تلخ‌تر از مرگ می‌بینم.» یهودیان سنتی، در  
گذشته در نیایش صبحگاهی هر روز چنین  
می‌خوانده‌اند: «سپاس خداوند جهانیان را که ما را  
زن نیافرید.»<sup>۱۱</sup>

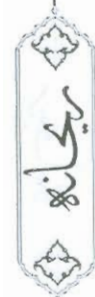
گناه حوا محور تمام باورها و عقاید مسیحیان  
بوده است زیرا آنان معتقدند علت رسالت عیسی  
مسیح صلی الله علیه و آله در زمین، نافرمانی حوا در برابر خداوند



۱۰. شریف عبدالعظیم محمد، زن در اسلام، مسیحیت و یهودیت، ص ۲۱.

۱۱. همان، ص ۲۴.

است. حوا مرتکب گناه شد و آدم را نیز فریب داد تا او نیز خطای حوا را مرتکب شود. سپس خداوند هر دو را از بهشت راند و به زمین فرستاد، زمینی که به خاطر وجود آن دو، نفرین شده بود. ایشان گناه خود را که خداوند آن را بخشیده بود، برای تمام فرزندان‌شان به ارث گذاشتند و از این‌رو، تمام انسان‌ها گناه کار متولد می‌شوند. برای پاک شدن بشر از گناه نخستین آدم و حوا، خداوند مجبور شد عیسی مسیح را که پسر خدا به شمار می‌آید، روی صلیب قربانی کند. بنابراین حوا مسئول خطای خود، معصیت شوهرش، گناه آغازین بشر و مرگ عیسی مسیح است. به بیان دیگر یک زن با عمل خویش موجب سقوط بشر شد. بنا بر عقاید مسیحیان، زن دروازه شیطان است زیرا اولین بار او بوده است که میوه ممنوعه را خورده است و آدم را اغوا کرده و سبب نابودی تندیس خدا یعنی آدم شده است.<sup>۱۲</sup>



### تصویر زن در قرآن

دیدگاه قرآن کریم درباره زنان کاملاً با دیدگاه

یهودیت و مسیحیت متفاوت است. قرآن می‌گوید:

۱۲. همان، صص ۲۵-۲۶.



«مردان و زنان با ایمان، دوست و سرپرست یکدیگرند. یکدیگر را به کارهای شایسته امر می‌کنند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. به‌زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. خداوند توانا و حکیم است.»<sup>۱۳</sup>

هم‌چنین قرآن می‌فرماید: «هرکس بدی کند جز به مانند آن کیفر داده نمی‌شود ولی هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد خواه زن، در حالی که مؤمن باشد، چنین کسانی به بهشت وارد می‌شوند. در آن جا بی‌حساب روزی داده می‌شوند.»<sup>۱۴</sup> قرآن، هدف از آفرینش زن و مرد را پرستش و عبادت پروردگار، انجام اعمال نیک و دوری از گناه می‌داند. قرآن هرگز زن را دروازه شیطان و ذاتاً فریب‌کار نمی‌داند.

قرآن آنگاه که از وسوسه شیطان سخن می‌گوید از ضمیر تشبیه «لهما» استفاده می‌کند و وسوسه شیطان را نسبت به آدم و حوا به طور یکسان ذکر می‌کند و می‌گوید: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ» یعنی شیطان

۱۳. توبه (۹): ۷۱

۱۴. غافر (۴۰): ۴۰



آدم و حوا را به لغزش وا داشت. آنگاه آدم و حوا گفتند: «پروردگارا، به خویشتن ظلم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود.»<sup>۱۵</sup> در هیچ یک از آیات قرآن حوا عامل گناه آدم تلقی نشده است. در قرآن کریم نه تنها حوا عامل گناه آدم نیست، بلکه مقام جانشینی خداوند که در قرآن بیان شده است، مقامی است که به انسان یعنی زن و مرد داده شده است و سجده ملائکه، در برابر مقام انسان بوده است.<sup>۱۶</sup>

بنابراین از نظر قرآن، زن و مرد هر دو در صورتی که در مسیر عبودیت و بندگی خداوند و کمال انسانی حرکت کنند، جانشین خداوند بر زمین و مسجود ملائکه‌اند و این بالاترین مقام معنوی قابل تصور برای زن است که قرآن برای او به ارمغان آورده است.

کتاب مقدس به صراحت می‌گوید: «تولد فرزند دختر ضرر و زیان است.»<sup>۱۷</sup> اما قرآن دختر را هم چون پسر موهبت و هدیه الهی می‌داند و می‌فرماید: «مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از

۱۵. اعراف (۷): ۲۳

۱۶. ر.ک: محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۱۲۲

۱۷. تشریح عبدالعظیم محمد زین در اسلام، مسیحیت و یهودیت، ص ۳۰



آن خداست. هرچه را بخواهد می‌آفریند. به هر کس اراده کند، دختر هدیه می‌کند و به هر کس بخواهد پسر هدیه می‌کند.<sup>۱۸</sup>

قرآن کریم با ذکر رفتار قساوت‌آمیز اعراب جاهلی در زنده به گور کردن دختران، این عمل زشت را به شدت محکوم می‌کند و می‌فرماید: «هرگاه به یکی از آن‌ها مژده دهند دختر نصیبت شده است، صورتش سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد و به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد و نمی‌داند آیا او را با قبول ننگ نگه دارد یا در خاک پنهانش سازد؟ چه بد حکم می‌کنند!»<sup>۱۹</sup>

قرآن کریم دربارهٔ دختران زنده به گور شده، به بازخواست خداوند از کسانی که این دختران بی‌گناه را کشته‌اند، اشاره کرده است: «و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند؟»<sup>۲۰</sup>



۱۸. شوری (۴۲): ۴۹

۱۹. نحل (۱۶): ص ۵۹ و ۵۸

۲۰. نکویر (۸): ۹

## میراث‌بری زن در کتاب مقدس

قوانین ارث در کتاب مقدس به اختصار در باب ۲۷ آیات ۱-۱۱ بیان شده است. زن هیچ سهمی در اموال شوهرش ندارد، در حالی که شوهر نخستین وارث همسر است، حتی پیش از پسرانش. دختر تنها زمانی می‌تواند ارث ببرد که هیچ پسری باقی نمانده باشد. تا زمانی که پدر هست، مادر به هیچ وجه ارث نمی‌برد. مسیحیت نیز مدت‌های طولانی همین شیوه را در پیش گرفته بود. قوانین دینی و مدنی مسیحیت، مانع می‌شدند که دختران همانند برادرانشان از اموال پدری سهمی ببرند. زنان هیچ حقی در میراث شوهرانشان نداشتند. این قوانین ناعادلانه تا قرون اخیر باقی بود.<sup>۲۱</sup>

در میان اعراب مشرک نیز پیش از اسلام تنها مردان از ارث برخوردار بودند. قرآن با صراحت این



۲۱. شریف عبدالعظیم محمد، زن در اسلام و یهودیت، صص ۵۹-۶۰.

آداب و رسوم ناعادلانه را از میان برد و همهٔ زنان را  
در ارث<sup>۲۲</sup> سهیم کرد:

«برای مردان، از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان از  
خود برجای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز  
از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی  
است. خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی  
است که [از سوی خداوند] تعیین شده است.»<sup>۲۳</sup>



۲۲. دربارهٔ فلسفه و حکمت نحوهٔ تقسیم ارث میان فرزندان دختر و پسر  
در اسلام به کتاب «زن در خانواده» از مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های  
دانش‌آموزی از نگارندهٔ مراجعه فرمایید.

۲۳. نساء(۴): ۷۰

## زن و ایمان و عمل صالح

۴ آیا زن در برخورداری از مقام ایمان و عمل صالح تفاوتی با مرد دارد؟ چه آیاتی از قرآن در این زمینه نازل شده است؟

از نظر اسلام هرکس چه زن چه مرد، با ایمان و عمل شایسته می‌تواند به مقام بلند انسانیت و عبودیت خداوند دست یابد. در آیاتی از قرآن کریم سخن از ایمان و عمل صالح به میان آمده است و آثار ایمان و عمل صالح نیز بیان شده است که برخی از آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم: «کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغ‌های بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود.»<sup>۲۴</sup>

«کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بهترین مخلوقات خداوند هستند.»<sup>۲۵</sup> در همه این آیات و آیات مشابه، از واژه مذکر «الذین آمنوا» استفاده شده است یعنی مردانی که ایمان آوردند اما مخاطب حقیقی این آیات، همه زنان و

۲۴. کهف (۱۸) ۱۰۷

۲۵. حج (۲۲) ۵۰

مردان هستند، چرا که اسلام دین هدایت همه انسان‌ها اعم از زن و مرد است و مسلمانان و مؤمنان چه زن چه مرد، خود را مخاطب این آیات می‌دانند. زنان و مردان صدر اسلام با نزول آیات قرآن و شنیدن خطاب «یا ایها الذین آمنوا» همگی خود را مخاطب آیات قرآن می‌یافتند و زنان برای عمل به آیات قرآن پرسش نمی‌کردند که آیا آن آیات شامل زنان هم می‌شود یا نه؟ آری؛ در برخی از موارد، عبارات، ضمایر و قرائن آیات قرآن به خوبی نشان می‌دهد که روی سخن با گروه خاص زنان، مردان یا قشر خاصی از انسان‌هاست.

علاوه بر آنچه گفته شد، در فرهنگ محاوره زبان عربی، بسیار متداول است که با الفاظ مذکر، زن و مرد را مورد خطاب و توجه قرار می‌دهند؛ به عنوان نمونه در قرآن می‌خوانیم: «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» هر کس در گرو اعمال خویش است<sup>۲۶</sup> در این آیه هرچند کلمه امرء در واژگان زبان عربی به معنای مرد است، در این‌جا به معنای انسان و شخص به کار رفته است. قرینه این تفسیر، آیه‌ای



دیگر از قرآن است که می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»<sup>۲۷</sup>؛ هر نفسی و هر انسانی در گرو اعمال خویش است» که نفس در این جا هم مرد هم زن را شامل می‌شود. از این آیه به خوبی آشکار می‌شود که واژه امرء در آیه قبلی نیز به معنای انسان و شخص است. این شیوه در بسیاری از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد و می‌توان گفت در موارد فراوانی از آیات قرآن زنان و مردان مخاطبان حقیقی آیات هستند، هرچند در ظاهر مردان مورد خطاب هستند. این، ناشی از روش محاوره ادبیات زبان عربی است و قرآن با زبان عربی نازل شده است.

با وجود همه آن چه گفته شد، قرآن برای رفع هرگونه ابهام و شک و شبهه در برابری زن و مرد در زمینه‌های انسانی و کسب ایمان و عمل صالح و دستیابی به مغفرت و پاداش الهی، در برخی از آیات به صراحت و آشکارا از واژه‌ها و ضمائر خاص زنان استفاده کرده است و بر اشتراک زنان و مردان در ابعاد انسانی و ایمانی تأکید کرده است: «خداوند درخواست آنان را پذیرفت و (فرمود:) من عمل هیچ





عمل کننده‌ای از شما را - زن باشد یا مرد- ضایع نخواهم کرد»<sup>۲۸</sup> و «کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد - خواه مرد باشد خواه زن - در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد»<sup>۲۹</sup> این آیات و آیات فراوان دیگر به روشنی اعلام می‌کنند که اسلام زن و مرد را در زمینه ایمان به خدا و رسول و انجام اعمال صالح و دستیابی به پاداش‌های الهی در شرایط یکسانی قرار داده است.



۲۸. آل عمران (۳): ۱۶۵

۲۹. نساء (۴): ۱۲۴

## آفرینش زن

۵) آیا این سخن درست است که خداوند پس از آفرینش حضرت آدم علیه السلام، همسرش حوا را از دنده چپ او آفرید و زن را در آفرینش، تابع مرد و جنس دوم قرار داد؟

چگونگی آفرینش انسان یکی از بزرگترین عجایب هستی و از پررمز و رازترین آنهاست که در آیات قرآن کریم به آن پرداخته شده است. در بسیاری از آیات قرآن، سخن از آفرینش موجودی به نام انسان است.

در قرآن آمده است: «ما انسان را از گل خشکیده‌ای (هم‌چون سفال) که از گل بدبوی (تیره‌رنگی) گرفته شده بود، آفریدیم»<sup>۳۰</sup> «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم»<sup>۳۱</sup> «از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید سپس ناگهان انسان‌هایی شدید و در روی زمین گسترش

۳۰. حجر (۱۵): ۲۶

۳۱. تین (۹۵): ۴



یافتید»<sup>۳۲</sup> در این آیات سخن از خلقت موجودی به نام انسان به میان آمده است و خداوند خلقت او را از خاک اعلام کرده است نه از چیزی دیگر مثل دندۀ چپ آدم و مانند آن. در برخی از آیات دیگر قرآن به آفرینش حضرت آدم و همسرش اشاره شده که در آنجا نیز سخنی از آفرینش حوا از دندۀ چپ آدم نیست. قرآن می‌فرماید: «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان (حضرت آدم) آفرید و همسر او را از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت»<sup>۳۳</sup>

در کتاب مقدس یهود یعنی تورات، درباره خلقت آدم و حوا چنین آمده است:

«و خداوند خدا گفت: خوب نیست آدم تنها باشد، پس برایش معاونی موافق وی بسازیم.

و خداوند خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آن‌چه آدم هر ذی حیات را خواند، همان نام او شد. پس آدم همه به‌ایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد

۳۲. روم (۳۰): ۲۰

۳۳. نساء (۴): ۱.



ولی برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد. و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت جایش پر کرد. و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا نهاد و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم. از این سبب نساء نامیده شد زیرا از انسان گرفته شد.<sup>۳۴</sup>

متأسفانه این تفکرات و تفکراتی مانند آن در طول تاریخ اسلام، توسط حدیث‌سازان به منابع حدیثی مسلمانان به ویژه منابع اهل سنت راه یافته است. یکی از مفسران اهل سنت به نام ابن‌کثیر می‌گوید: «گذشتگان در موضوع داستان آدم عَلَيْهِ السَّلَام مطالب بسیاری نقل کرده‌اند که غالب آنها از اسرائیلیات محسوب می‌شود. برخی از این مطالب به طور قطع باطل و غلط است زیرا با حقایقی که در اختیار ماست منافات دارد»<sup>۳۵</sup>

پیشوایان و ائمه شیعه در سخنان خود روایات و احادیثی را که دال بر خلقت حوا از دنده چپ آدم



۳۴. تورات، سفر پیدایش، باب دوم: ۲۴ - ۱۸

۳۵. اسماعیل ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۵۴، در تفسیر

آیه ۵۰ - سوره کهف

است، رد کرده‌اند و این تفکر را باطل و نادرست دانسته‌اند. شخصی از امام باقر علیه السلام دربارهٔ مادهٔ اولیه در آفرینش حوا پرسش کرد. امام فرمودند: «مردم معاصر این زمان در این زمینه چه نظری دارند؟» آن شخص پاسخ داد: «نظر غالب و رایج در حال حاضر این است که حوا از دندهٔ چپ آدم آفریده شده است» امام فرمودند: «خداوند منزّه تر و پاک تر از آن است که حوا را از دندهٔ چپ آدم بیافریند. خداوند حوا را از همان گل آدم آفریده است»<sup>۳۶</sup>

بنا بر آنچه گفته شد، به خوبی روشن می‌شود که سخن کسانی که می‌گویند چون آفرینش اولین زن یعنی حوا از دندهٔ چپ حضرت آدم علیه السلام بوده است، اسلام زن را موجودی درجه دوم و فرعی نسبت به مرد می‌داند، از اساس و پایه، باطل و نادرست است. افزون بر این، حتی اگر خلقت حوا را از دندهٔ چپ آدم بدانیم، باز به دلایل زیر این مطلب دلالتی بر فرعی بودن آفرینش زن ندارد:

۱. مادهٔ اولیهٔ آفرینش آدم و حوا هرچه باشد، اساس ارزشمندی و جنبهٔ انسانی آن دو ناشی از دهیده شدن روح الهی در آنان است. خداوند خطاب به ملائکه می‌فرماید: «هنگامی که ساخت کالبد او

۳۶. محمدبن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۴، ص ۲۱۶

(انسان) را کامل کردم و از روح خود (روح مبارک و شایسته منسوب به خودم) در او دمیدم، پس همگی برای او به سجده افتید.<sup>۳۷</sup> دمیدن روح در کالبد مادی انسان، در واقع، ایجاد شخصیت و فطرت انسانی است و در بُعد انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نیست و هر دو از مقام بلند انسانیت به طور یکسان برخوردارند.

۲. بر فرض صحت خلقت حوا از دنده چپ آدم، این مسئله دلالت بر فرع بودن و تبعی بودن حوا نسبت به آدم ندارد بلکه به عکس، بنا بر چنین فرضی، ماده اولیه خلقت آدم خاک بوده است اما ماده اولیه حوا، استخوان یک موجود زنده و برترین آفریده خداوند بوده است. بنابراین ماده اولیه حوا، برتر و پیشرفته‌تر از آدم بوده است. و حوا نه تنها از نظر آفرینش، پایین‌تر از آدم نیست، ممکن است بالاتر باشد. اما همان‌گونه که گفتیم، ارزشمندی زن و مرد به ابعاد مادی آن دو نیست. بدن انسان از نظر مادی شباهت‌های بسیاری به برخی از حیوانات دارد اما آنچه او را کاملاً ممتاز ساخته و او را برترین آفریده جهان هستی قرار داده است، جنبه‌های روحی و عقلی اوست.



## زنان نمونه در قرآن

۶) آیا در قرآن از زنان والامقام و نمونه نام

و نکری به میان آمده است؟

یکی از نشانه‌های بزرگداشت مقام زن در قرآن و تساوی ارزش‌های معنوی در زن و مرد، ذکر نمونه‌های قرآنی از زنان شایسته و باتقوی است. بیان ابعاد شخصیتی این زنان در قرآن نشان می‌دهد که خداوند راه کمال و تعالی معنوی و علمی را برای زنان و مردان به طور یکسان قرار داده است.

**حضرت فاطمه زهرا علیها السلام:**

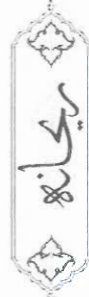
در آیات متعددی از قرآن، به شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره شده است که در این جا تنها به چند مورد اشاره می‌شود.

**آیه تطهیر:**

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا»<sup>۳۸</sup> همانا به طور قطع، خداوند اراده کرده است

که هرگونه پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک و مطهر سازد. «مقصود از اهل بیت در این آیه بنا بر نظر



همه اندیشمندان مسلمان، اهل بیت پیامبر ﷺ است اما این که مصداق اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند، در میان مفسران و دانشمندان مسلمان گفتگو است. برخی آن را مخصوص همسران پیامبر ﷺ و گروهی آن را مربوط به همه خاندان پیامبر ﷺ چه زن چه مرد می‌دانند. در این میان تمامی علمای شیعه و گروهی از عالمان اهل سنت، مقصود از اهل بیت پیامبر ﷺ در این آیه را منحصرأ پنج نفر می‌دانند که شخص پیامبر ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند.

روایات فراوانی توسط عالمان شیعه و سنی از پیامبر ﷺ نقل شده است که در همه آنها تصریح شده است که مقصود از اهل بیت در این آیه، خمسۀ طیبه یعنی پنج تن معروف می‌باشند. بیش از هفتاد منبع از منابع اهل سنت و بیش از هزار منبع از منابع شیعه، احادیث دال بر انحصار آیه به پنج تن را ذکر کرده‌اند.<sup>۳۹</sup> نویسنده کتاب شواهد التزیل که از علمای معروف اهل سنت است، بیش از ۱۳۰ حدیث در این زمینه نقل کرده است.<sup>۴۰</sup>

از ام سلمه همسر پیامبر ﷺ نقل شده است که پیامبر ﷺ در خانه خود بود و فاطمه علیها السلام نیز نزد آن حضرت بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «همسر و دو فرزندان حسن و حسین را صدا کن» آنها آمدند و همگی با یکدیگر غذا خوردند. سپس

۳۹. ر.ک: ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۲

۴۰. ر.ک: عبیدالله بن احمد حسکاتی، شواهد التزیل، ج ۲، ص ۱۰-۹۲





پیامبر ﷺ عبایی بر ایشان افکند و فرمود: «خداوند اینان خاندان من هستند. پلیدی را از ایشان دور کن و از هر آلودگی پاکشان گردان» در این جا آیه «انما یرید الله» نازل شد. من گفتم آیا من هم با شما هستم؟ ای رسول خدا! حضرت فرمود: «تو بر خیر و نیکی هستی (اما در زمره این گروه نیستی)»<sup>۴۱</sup>

از همین جا بود که این پنج تن را خمسۀ آل عبا نامیدند.

بنابراین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از مصادیق آیه تطهیر است و خداوند او را از همه ناپاکی‌ها دور داشته است. به اعتقاد مفسران و عالمان شیعه، این آیه نشان‌دهنده عصمت پیامبر ﷺ و خاندان او یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.<sup>۴۲</sup> مقام عصمت فاطمه زهرا علیها السلام او را در بلندای پاکی و طهارتی قرار داده است که همه زنان و مردان عالم او را الگو و مقتدای خویش می‌دانند تا آن جا که در سخنی از موعود امم، حضرت مهدی (عج) نقل شده است که فرموده‌اند: «در وجود و شخصیت دختر



۴۱. همان، ص ۵۶.

۴۲. رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۲

رسول خدا ﷺ فاطمه زهرا علیها السلام برای من الگوی  
نیکو و شایسته‌ای است.»<sup>۴۳</sup>

### سوره دهر:

از ابن عباس نقل شده است که حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر ﷺ با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی علیهما السلام گفتند: خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. علی علیهما السلام و فاطمه علیهما السلام و فضه که خادمه حضرت زهرا بود، نذر کردند که اگر آن دو طفل بزرگوار شفا یابند سه روز روزه بگیرند (بر اساس برخی روایات حسن و حسین علیهما السلام نیز نذر روزه کردند). زمانی نگذشت که هر دو شفا یافتند و همگی سه روز روزه گرفتند در حالی که از نظر مواد غذایی در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردند. علی علیهما السلام مقداری جو قرض کردند و فاطمه آن را آرد کرد و نان پخت. هنگام افطار روز اول مستمندی به در خانه آمد و تقاضای غذا کرد و آنان نان اندک خویش را به او بخشیدند و خود آب نوشیدند. در روز دوم یتیمی گرسنه و در روز سوم برده‌ای گرسنه به در خانه آنان آمد و آنان دوباره و



۴۳. رک: محمد بن حسن طوسی، الغیبه ص ۲۸۶

سه باره نان اندک خویش را بخشیدند و با آب، روزه خویش را به پایان رساندند. پس از این سه روز پیامبر ﷺ، علی و فاطمه و فرزندان آنها را دید که آثار گرسنگی و ضعف در رخسارشان به شدت نمایان بود. در این هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت: «ای محمد این سوره را بگیر. خداوند با چنین خاندانی به تو تبریک می‌گوید» آنگاه سوره دهر را بر پیامبر ﷺ خواند. ترجمه فرازهایی از این سوره را از نظر می‌گذرانیم تا با مقام معنوی فاطمه زهرا علیها السلام و همسر و فرزندانش بیشتر آشنا شویم.

«همانا نیکان در بهشت از جامی که با عطری خوشبو آمیخته است می‌نوشند. این نوشیدنی از چشمه‌ای است که بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را از هر جا بخواهند جاری می‌سازند. این نیکان کسانی‌اند که به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که عذاب و شر آن گسترده است بیمناکند. آنان غذای خود را با آنکه به آن بسیار نیازمندند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند. آنان می‌گویند: شما را تنها و تنها برای خدا و رضایت او اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما انتظار نداریم.»<sup>۴۴</sup>

در این آیات وفای به نذر، ایثار و فداکاری، انفاق خالصانه برای خداوند و تنها رضایت او را خواستن و سرانجام، رسیدن به مقام طهارت و پاکی حاصل از نوشیدن شربت پاک بهشتی که پروردگار به بندگان پاک خود می‌نوشاند، همگی از ویژگی‌های فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان عالم است که قرآن کریم به آنها اشاره کرده است.

در آیات فراوان دیگری نیز از فاطمه زهرا علیها السلام یاد شده است که مجال بیان آنها در این جا نیست.<sup>۴۵</sup>

### حضرت مریم علیها السلام

مریم علیها السلام تنها زنی است که در قرآن به نام از او یاد شده است و یکی از سوره‌های قرآن به نام او نامگذاری شده است. مریم بانویی والامقام است که برخورداری‌اش از ایمان و فضایل معنوی او را برای مقام مادری حضرت عیسی علیه السلام شایستگی بخشیده است. تنها ویژگی مریم نزد مسیحیان، مادر مسیح بودن است اما در قرآن، مریم زنی است که نه فقط به خاطر مادر عیسی شدن ارزش یافته است بلکه با تکیه بر آموزه‌های ابراهیمی، به مقام بلند عبودیت و

۴۵. ر.ک: محمد یعقوب بشوی، شخصیت حضرت زهرا در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت

یکتاپرستی دست یافته و خود از فضایل بلند طهارت و پاکی روح برخوردار است. قرآن در آیاتی چند، ابعاد مختلفی از شخصیت مریم علیها السلام را مورد تمجید قرار داده است



### برگزیدگی:

خداوند مریم را برای مأموریتی سترگ برمی‌گزیند که همان بارداری معجزه‌آسای او بدون ازدواج است.<sup>۴۶</sup> خداوند مریم را از میان تمام زنان، برای این مسئولیت برمی‌گزیند و عیسی علیه السلام در دامن چنین زنی تربیت می‌یابد. خداوند می‌فرماید: «یا مریم ان الله اصطفاکِ و طَهَّرکِ و اصْطَفَاکِ عَلٰی نَسَاءِ الْعَالَمِینَ»<sup>۴۷</sup> ای مریم! خداوند تو را از میان همه زنان عالم برگزید و از همه زشتی‌ها پاک ساخت»



### تطهیر و پاکدامنی:

خداوند مریم را از آلودگی و گناه پاک ساخت و او را به مقام عصمت و طهارت رساند، طهارتی کامل که نتیجه آن، مقام عصمت است. قرآن از صفت



۴۶. ر. ک: محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۵۸

۴۷. آل عمران (۳): ۴۲

پاکدامنی مریم یاد کرده می‌گوید: «و مریم دختر  
عمران را که دامان خود را پاک نگاه داشت، پس از  
روح خود در وجودش دمیدیم»<sup>۴۸</sup>

### گفتگو با فرشته الهی:

قرآن از آشکار شدن فرشته الهی در چهره انسانی  
زیبا برای مریم سخن گفته است و ماجرای گفتگوی  
مریم را با فرشته بزرگ خداوند باز گفته است. استاد  
شهید آیت‌الله مطهری در این زمینه می‌گوید: «قرآن  
در باره مریم علیها السلام مادر عیسی علیه السلام می‌گوید کار او به  
آن‌جا کشیده بود که در محراب عبادت همواره  
ملائکه با او سخن می‌گفتند و گفت و شنود  
می‌کردند. از غیب برای او روزی می‌رسید و کارش  
از لحاظ مقامات معنوی آن‌قدر بالا گرفته بود که  
پیغمبر زمانش [زکریا] را در حیرت فرو برده و او را  
پشت سر گذاشته بود. زکریا در مقابل مریم علیها السلام مات  
و مبهوت مانده بود»<sup>۴۹</sup>



۴۸. تحریم (۶۶): ۱۲.

۴۹. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۹

در اصطلاح دینی، این چنین افراد را «محدث» نامیده‌اند یعنی کسی که ملائکه با او گفتگو کرده‌اند.<sup>۵۰</sup>

### بهره‌مندی از رزق الهی:

مریم در سایهٔ عبادت و بندگی خداوند و در پرتو عنایت الهی به کرامتی عظیم دست یافت. زکریا پیامبر که تنها فردی بود که می‌توانست به خلوتگاه مریم درآید، هرگاه به محراب عبادت مریم راه می‌یافت غذایی عجیب و غیرعادی را در نزد او می‌یافت. یک بار زکریا از مریم پرسید: «این رزق عجیب از کجا رسیده است؟» مریم در پاسخ گفت: «این از سوی خداوند رسیده است. خداوند به هر کس بخواهد روزی بی‌حساب می‌دهد»<sup>۵۱</sup> در روایات آمده است که زکریا میوه‌های تابستانی را در زمستان و میوه‌های زمستانی را در تابستان نزد مریم مشاهده می‌کرد.<sup>۵۲</sup>

### آسیه همسر فرعون:

۵۰. مرتضی مطهری، نبوت، ص ۲۴

۵۱. ر.ک: آل عمران (۳): ۲۷

۵۲. ر.ک: سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۱۷

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ  
 قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن  
 فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ<sup>۵۳</sup> و خداوند  
 مثالی برای مؤمنان ذکر کرده است، همسر فرعون  
 را. آن زمان که گفت: پروردگار من! خانه‌ای برایم در  
 نزد خودت در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و  
 کارهایش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات  
 ده»

نام همسر فرعون، آسیه بود. هنگامی که او  
 معجزه موسی علیه السلام را در برابر ساحران مشاهده کرد،  
 نور ایمان در اعماق جانش تابیدن گرفت و از همان  
 زمان به خدای موسی علیه السلام و رسالت او ایمان آورد اما  
 به دلیل شرایط خفقان‌آور دوران حاکمیت فرعون،  
 ایمان خویش را پنهان می‌داشت، و البته نور ایمان و  
 صفای باطن به‌گونه‌ای است که خود را می‌نمایاند و  
 سرانجام، فرعون از ایمان آسیه آگاهی یافت و بارها  
 او را از ادامه ایمان به خدا و پیروی از آیین  
 موسی علیه السلام بازداشت اما این زن با ایمان و مستحکم  
 هرگز تسلیم خواسته فرعون نگشت. فرعون دستور





داد دست‌ها و پاهای آسیه را با میخ‌هایی بر زمین  
ببندند و زیر آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ بزرگی  
را بر سینه‌اش گذارند. آسیه در آن شرایط سخت و  
در لحظات پایان عمر چنین دعا کرد که خدایا برایم  
خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش  
رها ساز. خداوند نیز دعای او را اجابت کرد و او را در  
کنار بهترین زنان جهان هم‌چون مریم قرار داد.  
چنان‌که در آیه بعد نیز سخن از مریم عَلَيْهَا است. در  
سخنی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «برترین زنان اهل  
بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه»<sup>۵۴</sup>



۵۴. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، صص ۳۰۲ - ۳۰۳

## تفاوت‌های زن و مرد

۷) تفاوت‌های زن و مرد در چه ابعاد و زمینه‌هایی است؟ آیا این تفاوت‌ها، تبعیض نیست؟ آیا مرد به دلیل برخی از ویژگی‌های طبیعی، برتر و بهتر از زن است؟

زن و مرد به دلیل انسان بودن، ویژگی‌های مشترک فراوانی در ابعاد جسمی و روحی دارند اما به دلیل جنسیت متفاوت، تفاوت‌های جسمی و روحی فراوانی نیز در میان این دو به چشم می‌خورد. این تفاوت‌ها در شکل و اندام ظاهری و در ساختمان داخلی بدن و ترشح هورمون‌ها و فعل و انفعالات درون بدن و نیز در ابعاد روحی و روانی و ذهنی و عقلی قابل بررسی و دقت نظر است.

### ۱) تفاوت‌های جسمی:

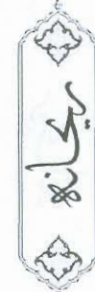
زن به‌طور متوسط دارای اندام ریزتر و ظریف‌تر و مرد دارای اندام درشت‌تر و خشن‌تر است. صدای زن نازک و ظریف‌تر و صدای مرد کلفت‌تر و خشن‌تر است. پسران اسکلتی حجیم‌تر، مغز، شش و قلبی



بزرگ‌تر و رشد ماهیچه‌های بیشتری دارند.<sup>۵۵</sup> رشد بدنی دختر سریع‌تر از پسر است و دختران در برابر بیماری‌ها مقاوم‌ترند و کمتر از پسران آسیب می‌بینند. هورمون پروژسترون که هورمونی زنانه است در آرامش‌بخشیدن به زنان در زمان بارداری، مؤثر است. هورمون پرولاکتین در ترشح شیر و رفتار مادرانه مؤثر است.<sup>۵۶</sup> تفاوت در میزان تولید هورمون‌های تستوسترون، استروژن و پرژسترون از دیگر تفاوت‌های زن و مرد است. افزایش تستوسترون و دفع استروژن موجب ایجاد صفات مردانه و کاهش تستوسترون موجب صفات زنانه می‌شود.<sup>۵۷</sup> حس بینایی و شنوایی زنان و مردان نیز تا حدودی متفاوت است.<sup>۵۸</sup>

## (۲) تفاوت‌های روانی:

میل مرد به ورزش و شکار و کارهای پُرحرکت بیش از زن است. احساسات مرد مبارزانه و احساسات زن صلح‌جویانه است. زن معمولاً از



۵۵. کان جی کارلسون و دیگران، بهداشت روانی زنان، ترجمه خدیجه ابوالمعالی و دیگران، ص ۳۴۰  
۵۶. جمعی از نویسندگان، کتاب زن، ص ۹۶  
۵۷. همان، ص ۷۴  
۵۸. آلن و باربارا پیس، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، ترجمه: زهرا افتخاری، ص ۴۲

خشونت درباره دیگران و خود دوری می‌کند و از همین‌رو خودکشی در زنان کمتر از مردان است. مردان در کیفیت خودکشی نیز خشن‌تر از زنان هستند. احساسات زن جوشان‌تر و سریع‌تر از مرد است یعنی زن زودتر و سریع‌تر تحت تأثیر احساسات خود قرار می‌گیرد. شخصیت زن آمیخته با عواطف و احساسات است و احساسات بر وجود او غلبه بیشتری دارد.

مرد شخصیتی سرد و ساکن دارد. دیرتر تصمیم می‌گیرد. جوش احساسات در او کمتر و احتیاط و دوراندیشی و عقلانی نگاه کردن به دنیا در وجودش بیشتر است. برخلاف مرد، زن به زیور و زینت و آرایش علاقه زیاد دارد. احساسات زن، مادرانه و از دوران کودکی در او نمایان است.

به‌طور ناخودآگاه علاقه زن به کانون خانواده بیش از مرد است. مرد از زن بیشتر قدرت کتمان راز دارد و اسرار ناراحت‌کننده را در درون خود حفظ می‌کند و از همین رو ابتلای مردان به بیماری‌های ناشی از کتمان راز بیشتر از زنان است. زن در مقایسه با مرد، رقت قلب بیشتری دارد و زودتر گریه می‌کند.



### ۳) تفاوت احساسات متقابل میان زن و مرد:

مرد به دنبال تصاحب شخص زن است اما زن در پی تسخیر قلب مرد است. مرد می‌خواهد بر جسم زن مسلط شود و زن خواهان تسلط بر قلب مرد است. مرد می‌خواهد از بالای سر زن بر او مسلط شود و زن می‌خواهد از درون قلب مرد بر او مسلط شود. مرد می‌خواهد زن را بگیرد و زن می‌خواهد او را بگیرند. زن از مرد شجاعت و اقتدار می‌خواهد و مرد از زن دلربایی و همسری.<sup>۵۹</sup>

### راز تفاوت‌های زن و مرد:

تفاوت‌های زن و مرد، هرگز موجب ارزشمندی بیشتر یکی نسبت به دیگری نزد خداوند نیست. ارزش انسان در نظام الهی به پیوند او با خداوند و زیبایی‌های روحی و ایمانی اوست. تفاوت‌های زن و مرد موجب نقص یکی و کمال دیگری نیست. هر یک از این دو موجود، توانایی‌ها و استعدادهای خاصی دارد که او را در انجام مأموریتی خاص تواناتر می‌سازد.

۵۹. ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۴ و ۱۶۵



دستگاه خلقت حکیمانه خداوند با ایجاد تفاوت‌های زن و مرد، طرح وحدت و اتحاد آن‌دو را ریخته است. اگر زن دارای جسم و جان و خلق و خوی مردانه بود، هرگز نمی‌توانست مرد را مجذوب خود ساخته او را در اختیار گیرد و اگر مرد صفات جسمی و روانی زن را داشت، ممکن نبود زن او را قهرمان زندگی خود به حساب آورد و عالی‌ترین هنر خود را شکار و تسخیر قلب او بداند. قانون آفرینش الهی، زن و مرد را طالب و علاقه‌مند به یک‌دیگر قرار داده است اما نه از نوع علاقه‌ای که انسان از سر خودخواهی به اشیاء دارد. علاقه زوجین به‌گونه‌ای است که هر یک از آن‌ها سعادت و آسایش دیگری را دوست دارد و از گذشت و ایثار در حق دیگری لذت می‌برد.<sup>۶۰</sup> پیوند میان زن و شوهر، به جنبه‌های جسمی و جنسی محدود نمی‌ماند بلکه به مراتب عالی پیوند روحی می‌رسد و موجب وحدت آن‌دو می‌گردد تا آن‌جا که قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید»<sup>۶۱</sup>



۶۰ ر.ک: همان، ص ۱۶۹

۶۱ روم(۳۰):۲۱

۸) آیا در منابع اسلامی، دلیلی بر وجود تفاوت‌های روحی و روانی میان زن و مرد وجود دارد؟

با بررسی مجموعه معارف و آموزه‌های اسلامی به دو شیوه می‌توان از وجود تفاوت‌های روحی و روانی زن و مرد آگاه شد:

### شیوه اول:

وجود تفاوت‌های فراوان در حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد.

اسلام جهاد و جنگ ابتدایی بر ضد کفر را بر مردان واجب ساخته و زنان را معاف دانسته است؛ میزان حجاب و پوشش را در زنان بیشتر از مردان قرار داده است؛ تأمین نفقه و نیازمندی‌های خانواده را بر عهده مردان گذاشته و چند همسری را برای مردان مجاز و برای زنان ممنوع ساخته است. این موارد، به اضافه تفاوت‌های حقوقی بی‌شمار دیگر میان زن و مرد حاکی از آن است که خداوند حکیم با توجه به شرایط جسمی، روحی و روانی زن و مرد و توجه به ویژگی‌های آن دو احکام متفاوتی را صادر کرده است و گرنه اگر زن و مرد در همه ابعاد با



یکدیگر مشابه و همانند بودند، تمایز در حقوق و مسئولیت‌ها، منطقی و حکیمانه نمی‌نمود.

### شیوه دوم:

بررسی روایاتی که به‌طور خاص به برخی از تفاوت‌های روحی و روانی زن و مرد اشاره دارد. در برخی از روایات آمده است که خداوند حیا را که ده جزء بود میان زن و مرد به‌گونه‌ای تقسیم کرد که نه قسمت از آن در وجود زن و یک قسمت در وجود مرد قرار گرفت.<sup>۶۲</sup> پس روشن می‌شود که زن و مرد در زمینه حیا و شرم متفاوتند و زن از حیای بیشتری برخوردار است.

امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندشان، امام حسن علیه السلام فرموده‌اند: «فرزندم! اموری را که فراتر از توان و ظرفیت زن است بر او تحمیل مکن چرا که زن گلی خوشبوست و قهرمان و میداندار کارها و مسئولیت‌های سنگین نیست»<sup>۶۳</sup> تعبیر امام به «ریحانه» بودن زن اشاره به تفاوت روحیات زن و مرد دارد. در برخی از روایات هم‌چنین به تفاوت‌های

۶۲ محمدبن علی بن بابویه صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸

۶۳ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۱۶



زن و مرد در قوای جنسی و شهوانی اشاره شده است.<sup>۶۴</sup> در برخی دیگر از روایات، به تفاوت‌های عقلی زن و مرد پرداخته شده است که به این موضوع به‌طور مستقل در مباحث آینده خواهیم پرداخت.

نکته مهم در موضوع تفاوت‌های روحی و روانی زن و مرد آن است که بخشی از تفاوت‌های آشکار و قطعی زن و مرد به‌راحتی قابل تشخیص است اما دامنه این دسته از تفاوت‌ها و حدود آنها را به‌راحتی نمی‌توان شناخت. هرچند تحقیقات روان‌شناختی در عصر حاضر که مدعی تفاوت‌هایی در ناحیه قوای ذهنی، حافظه، احساسات و مانند آن هستند، تا حدودی ابعاد این تفاوت‌ها را نشان می‌دهند، به هر حال نمی‌توان درباره آنها به‌طور قطعی اظهار نظر کرد. آنچه مسلم است و به‌طور قطعی از آیات و روایات استفاده می‌شود، اصل وجود تفاوت‌های روحی و روانی میان زن و مرد است.



۹) آیا احادیثی که در آنها سخن از نقصان عقل زنان به میان آمده است از معصومین صادر شده است؟ اگر چنین است آیا زنان واقعاً ناقص‌العقل هستند؟

در برخی از احادیث و روایات، مسئله نقصان عقل زنان مطرح شده است<sup>۶۵</sup> و با توجه به این که روایاتی که به این مسئله پرداخته‌اند، بالغ بر ۲۳ مورد است که ۱۲ مورد آن در منابع روایی شیعی یافت می‌شود<sup>۶۶</sup>، نمی‌توان در صدور همه این روایات تردید کرد، به‌ویژه آنکه برخی از این روایات در کتب معتبر حدیثی شیعه یعنی «اصول کافی» و «من لایحضره الفقیه» ذکر شده‌اند.

از سوی دیگر، به گواهی آیات قرآن کریم، زن و مرد در هویت انسانی و برخورداری از فطرت و روح الهی با یکدیگر مساویند و سرشت انسانی یکسانی دارند و هدف از خلقت هر دو، بندگی و پرستش و معرفت خداوند است. قرآن کریم هنگامی که از

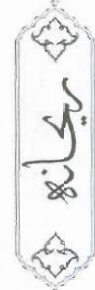
۶۵ نهج‌البلاغه، خطبه ۸۰

۶۶ مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۸۱



صفات عالی انسانی هم‌چون ایمان، تواضع در برابر خداوند، صداقت و راستی، صبر و خشوع و دیگر صفات پاک معنوی یاد می‌کند، زنان و مردان را در کنار هم قرار داده و نتیجهٔ ایمان و عمل صالح هر یک را مغفرت الهی و حیات پاکیزه در دنیا و آخرت معرفی کرده است.<sup>۶۷</sup> از این‌گونه آیات فهمیده می‌شود که زن و مرد در رسیدن به مقامات معنوی و جلب رضایت و خشنودی پروردگار و تقرب به او شرایط یکسان و همانندی دارند. حال هرگاه در احادیث، مطلبی را مشاهده کنیم که از آن‌ها نقص ارزشی زن و فروتری او در کسب کمالات انسانی برداشت شود، می‌توان با اطمینان گفت که این مسئله با فرهنگ قرآن سازگار نیست و معلوم می‌شود که آن احادیث، معنای دیگری را در نظر داشته‌اند. از همین‌رو احادیث نقصان عقل زنان را نباید به معنای نقصان زنان در ارزش‌های معنوی و انسانی دانست.

برای دریافت معنای صحیح این روایات لازم است به معنای واژه‌های «نقصان» و «عقل» دقت کنیم. در زبان فارسی واژهٔ ناقص به معنای معیوب و





ناتمام است اما در زبان عربی واژه ناقص یا نقصان به معنای کمتر بودن چیزی از دیگری است. نقصان آب رودخانه به معنای کم‌تر شدن آب است نه معیوب و فاسد شدن آب.<sup>۶۸</sup> بنابراین می‌توان گفت روایات نقصان عقل زنان اشاره به تفاوت‌های عقلی زن و مرد دارد. به بیان دیگر، این روایات نشان می‌دهند که زنان در قوهٔ عقل در مقایسه با مردان در سطح پایین‌تری قرار دارند.



از سوی دیگر در فرهنگ اسلامی، عقل ارزش و قداست والایی دارد و منشأ تقرب و کمالات معنوی انسان شمرده شده است. حال آیا می‌توان گفت زنان در برخوردارگی از این موهبت الهی در سطح نازل‌تری قرار دارند؟ برای دریافت پاسخ صحیح باید معنای عقل را نیز مورد دقت قرار دهیم. عقل در روایات معصومان، در معانی متفاوتی به کار رفته است و حداقل به یکی از سه معنای زیر است:

۱. گاه مقصود از عقل در سخنان معصومان، عقل نظری یعنی قوه‌ای است که انسان با آن، حقایق اشیاء را می‌شناسد. اموری هم‌چون:



۶۸ ر.ک: فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، عاده نقص

خداشناسی، خودشناسی و دین‌شناسی از کارکردهای جنبه نظری عقل انسان هستند.

۲. بُعد دیگری از عقل انسان، قدرت تشخیص خوبی‌ها از بدی‌ها و زشتی‌هاست. به این بُعد از عقل، عقل عملی می‌گویند. عقل عملی، انسان را به سوی انجام نیکی‌ها و دوری از زشتی‌ها فرامی‌خواند و روح عبادت و پرستش خدا را در انسان زنده نگه می‌دارد. بدین‌سان عقل عملی، خوب و بد افعال را به انسان می‌نماید و کمال آدمی و فضایل اخلاقی هم‌چون ادب و حیا و سخاوت و راست‌گویی و عدل به وسیله این بُعد از عقل شناخته می‌شوند.

۳. بُعدی دیگر از عقل انسان که برنامه‌ریزی و ساماندهی به امور زندگی برای دستیابی به زندگی دنیوی مطلوب و رفاه و آسایش بیشتر را بر عهده می‌گیرد، عقل ابزاری یا عقل معاش نام دارد. این بُعد از عقل، دارای قدرت فن‌آوری و حسابگری و تدبیر است و با تجارب بشر بارورتر می‌شود.<sup>۶۹</sup>



۶۹ ر.ک: محمدرضا زیبایی نژاد و دیگران، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۷۳

با آنچه از ابعاد سه‌گانه عقل بیان کردیم، نمی‌توان نقصان و کاستی عقل زنان را در بُعد نظری و عقل عملی دانست چرا که در این صورت، زنان در شناخت خداوند و شناخت راه حق و تشخیص فضایل انسانی دچار کاستی خواهند بود و این مفهوم با آیات فراوانی که برابری زن و مرد در ارزش‌های انسانی و زمینه‌های کمال و قرب به خداوند را بیان می‌کنند منافات دارد. بنابراین تنها گزینه قابل قبول این است که نقص عقل زنان را تنها در ساحت عقل ابزاری بدانیم و روشن است که تفاوت در بُعد عقل ابزاری میان انسان‌ها و میان زن و مرد فاقد بار ارزشی است چرا که عقل ابزاری وظیفه سامان‌دهی و تدبیر امور دنیوی را بر عهده دارد.

برخی از اندیشمندان، احادیث نقصان عقل را بدین‌گونه تفسیر کرده‌اند که زنان در هیچ‌یک از ابعاد عقل، کاستی ندارند اما به دلیل غلبه احساسات و عواطف در زنان، کارکرد عقلانی آنان تقلیل می‌یابد و احساسات، در واقع نقش مانع و بازدارنده دارد.<sup>۷۰</sup> مفسر بزرگ قرآن کریم، علامه طباطبایی در

۷۰. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۷



تفسیر گران قدر «المیزان» به غلبه احساس بر زنان اشاره کرده است: «احساسات لطیف همچون محبت، رقت قلب و تمایل به زیبایی و آرایش در زنان بیش از مردان است، همچنان که تعقل و حسابگری در مردان بیش از زنان است. پس حیات زن حیات احساسی و حیات مرد تعقلی است.»<sup>۴۱</sup> این بیان علامه طباطبایی بدین معناست که زن و مرد هر دو از قوای عقلی و احساسی بهره‌مندند اما در یکی از آن دو، بُعد احساسی و در دیگری بُعد عقلی بیشتر جلوه‌گر است.



۴۱. ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ۲۷۵

## تفاوت جایگاه زن و مرد

۱۰) آیا تفاوت‌های جسمی و روحی و روانی میان زن و مرد لزوماً تفاوت در جایگاه و مسئولیت‌ها را به دنبال دارد؟ آیا نمی‌توان با وجود تفاوت‌های متعدد زن و مرد جایگاه و حقوق و وظایف مشابه و یکسانی را در سطح خانواده و اجتماع برای آن دو در نظر گرفت؟

گروهی در پاسخ به این سؤال گفته‌اند: درست است که زن و مرد تفاوت‌هایی دارند اما این تفاوت‌ها نباید منشأ تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها گردد. زنان و مردان باید در همه عرصه‌ها مشابه و برابر باشند. هرگونه تفاوت میان زنان و مردان مصداق تبعیض و ظلم به زنان است. این دیدگاه که نظریه گروهی از فمینیست‌ها است، امروزه توسط نهادهای سازمان‌های بین‌المللی و به‌خصوص سازمان ملل متحد در قالب کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دنبال می‌شود. این معاهده هرگونه تفاوت و تمایز در حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد را





تبعیض تلقی می‌کند و می‌کوشد در همه بخش‌های جامعه، وضعیت زنان همسان مردان گردد.

دیدگاه دومی نیز وجود دارد که نادیده گرفتن تفاوت‌ها میان زن و مرد را در تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، غیرمنطقی و نادرست می‌داند. بر اساس این دیدگاه اگر کارهای سنگین و خشن را به زنان و کارهای لطیف و آسان را به مردان واگذاریم به خطا رفته‌ایم. استخوان‌بندی و وضعیت روحی مردان، آنان را متناسب با کارهای سنگین و طاقت‌فرسا قرار داده است. آیا عاقلانه است در سختی‌های جنگ و نبرد و در کارهای سخت ساختمانی و مانند آنها زنان را جایگزین مردان کرد؟ حکمت و عقل اقتضا دارد که تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد را در تمامی ابعاد مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی مورد توجه قرار دهیم. به تعبیر شهید مطهری: «در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری هر یک از زن و مرد با توجه به تساوی آنها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان‌ها، زن را در وضع بسیار مناسبی قرار می‌دهد که نه شخصش کوبیده شود نه شخصیتش»<sup>۴۲</sup> از همین‌رو آموزه‌های اسلامی بر



۴۲. ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰

اساس حکمت خداوند به این تفاوت‌ها توجه کرده و مسئولیت‌ها و وظایف و جایگاه زن و مرد را مشابه و یکسان تعریف نکرده است.



نگاهی به مجموعه معارف، احکام و قوانین اسلامی درباره انسان، نشان می‌دهد که زن و مرد در بیشتر احکام و قوانین عبادی، اقتصادی و اجتماعی و دیگر امور، مشترک و یکسان هستند. در امور اعتقادی و اصول دین، هر دو یکسانند؛ در ایمان و اعتقاد به خدا و رسول و معاد و پاداش و کیفر اعمال، هر دو مسئول و مختارند؛ در انجام واجبات دینی همچون نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و بسیاری دیگر از تکالیف دینی، هر دو به‌طور یکسان مورد خطاب الهی قرار گرفته‌اند؛ در برخورداری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نیز در بسیاری از ابعاد، مشترک و یکسان هستند. نسبت به خانواده و اجتماع، هر دو مسئول‌اند هرچند در ایفای آن تفاوت‌هایی نیز دارند؛ در توصیه‌های اخلاقی و معنوی و لزوم کسب صفات ارزشمند انسانی همچون صبر، رضا، یقین، ایثار و مانند آنها، زن و



مرد هر دو به‌طور مشترک و مساوی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در آموزه‌های اسلامی در کنار حجم گسترده حقوق و مسئولیت‌های مشترک میان زن و مرد، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که حکایت از توجه اسلام به تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. توجه به حقوق و مسئولیت‌های مشترک زن و مرد در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، همراه با توجه به تفاوت‌های زن و مرد در برخی از جهات، نقش مهمی در طراحی برنامه تکامل بشر دارد.



## تساوی در برابر قانون

۱۱) با آنکه گفته می‌شود همه در برابر قانون مساوی هستند، چرا حقوق زنان و مردان متفاوت است؟

تساوی در برابر قانون و تساوی در قوانین، دو مفهوم متفاوتند. وقتی گفته می‌شود همه در برابر قانون مساوی‌اند، بدین معناست که قانون باید به‌طور یکسان در حق همگان اجرا شود و کسی به‌خاطر امتیازها و موقعیت‌های خاص نباید از دایرهٔ قانون خارج باشد، مثلاً هرکس در هر مقام و موقعیتی باشد در صورت ارتکاب جرم و تخلف باید قانون در حق او اجرا شود. این معنای برابری همگان در برابر قانون است؛ اما این مسئله بدین معنا نیست که قانون، کودک و بزرگ‌سال، پیر و جوان، زن و مرد و سالم و بیمار را باید یکسان بداند. چه‌بسا قوانینی که در قبال بزرگ‌سالی اجرا می‌شود اما نسبت به کودکان اجرا نمی‌شود. «بنابراین زن و مرد در برابر قانون یکسان و مساوی‌اند» یعنی قانون به‌طور یکسان و بدون تبعیض نسبت به آن دو جاری می‌شود؛ اما آن‌جا که در توانایی و صلاحیت‌ها



تفاوت وجود دارد، قانون هرکس متناسب با او اجرا می‌شود. نتیجه آن که حقوق و قوانین متفاوت در مورد زنان و مردان، هیچ‌گونه منافاتی با یکسان بودن همه در برابر قانون ندارد.

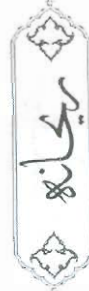


## ارزش دختر و پسر

۱۲) چرا در بسیاری از جوامع، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دهند؟ نظر اسلام در این زمینه چیست؟

برتر دانستن فرزند پسر نسبت به دختر از اندیشه‌های خرافی و باطل است که از دیرباز در بسیاری از فرهنگ‌ها رواج داشته است. ریشه‌یابی این پدیده نیازمند بررسی‌های گسترده در ویژگی‌های اجتماعی و روانی آن فرهنگ‌هاست. اما آنچه در این جا می‌شود بدان اشاره کرد، این است که شاید توانایی مردان در جنگاوری و دفاع از قبیله و خانواده و توانایی در تهیه نیازهای مادی خانواده، سبب شده است فرزند پسر را برتر از دختر بدانند. از سوی دیگر، زنان و دختران در جنگ‌ها و نزاع‌ها معمولاً نقطه آسیب‌پذیر خانواده و قبیله محسوب می‌شدند.

از نظر اسلام - چنان‌چه گذشت - ارزشمندی انسان به میزان ایمان و عمل صالح است. بنابراین فرزند دختر و پسر تفاوت ارزشی ندارند. البته انسان‌ها بر اساس طبیعت و غریزه بشری خود



دوست دارند فرزندان پسر و دختر داشته باشند و از همین رو در منابع دینی می‌بینیم که معصومان علیهم‌السلام از خداوند درخواست فرزندان دختر و پسر کرده‌اند. شخصی در حضور امام صادق علیه‌السلام ناراحت و نگران بود. امام از او پرسیدند: چرا ناراحتی؟ او گفت که فرزند دختر نصیبم شده است. امام فرمودند: «اگر خداوند به تو وحی کرده بود که جنسیت فرزندت را خودت برگزینی یا من برگزینم چه پاسخ می‌دادی؟» آن شخص گفت: البته انتخاب جنسیت فرزندم را به خدا واگذار می‌کردم. امام فرمود: «اکنون خداوند برایت دختر انتخاب کرده است»<sup>۷۳</sup>

در سخنی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «از مبارکی زن این است که فرزند نخست او دختر باشد»<sup>۷۴</sup> و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «فرزند دختر هم‌چون گلی است که او را می‌بوید»<sup>۷۵</sup>

در برخی سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که «فرزندان را در هدیه دادن برتری ندهید؛ من اگر



۷۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۱۱

۷۴. محمد محمدی ری‌شهری، حکمت‌نامه کودک، ص ۲۹

۷۵. همان، ص ۳۳

می‌خواستم کسی را در هدیه دادن برتری دهم، زنان  
را برتری می‌دادم.»<sup>۷۶</sup>

از نظر اسلام آن فرزندی برای انسان ارزشمندتر  
است که در ایمان به خداوند و انجام کارهای  
شایسته برتر باشد. فرزند صالح و شایسته، گلی از  
گل‌های بهشت و ذخیره آخرت و روشنی چشم  
انسان در دنیا است چه پسر باشد چه دختر.<sup>۷۷</sup>

امروزه پیشرفت‌های چشم‌گیر اعتقادی، اخلاقی،  
معنوی و علمی پسران و دختران در عرصه‌های  
گوناگون به‌خوبی گویای همسانی ارزش دختر و پسر  
در نظر پدران و مادران فرهیخته و خداباور است.



۷۶. همان، ص ۲۲۱

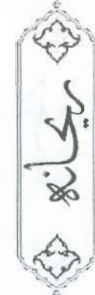
۷۷. همان، ص ۲۵



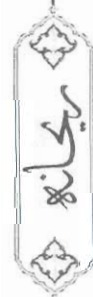
## مردسالاری

۱۳) مردسالاری و پدرسالاری در خانواده  
یعنی چه؟ چرا در خانواده‌های ایرانی روحیه  
مردسالاری و پدرسالاری وجود دارد؟ اسلام  
در این زمینه چه نظری دارد؟

واژه مردسالاری و پدرسالاری سال‌هاست که در ادبیات جامعه ایران به کار می‌رود. جریان و تفکر فمینیستی غربی که اساساً با هرگونه تفاوت و تمایز در جایگاه و نقش اجتماعی زن و مرد مخالف بوده و هست، هرگونه حق سرپرستی و تسلط مرد بر زن را در خانواده مصداق مردسالاری و پدرسالاری می‌داند و به شدت با آن مخالفت می‌ورزد. مردسالاری اگر به معنای حاکمیت بی‌قید و شرط و قدرت نامحدود مرد در خانواده باشد، بدین گونه که مرد قادر باشد هرگونه ظلم و ستمی را در حق زن روا دارد، بی‌تردید اسلام با این گونه مردسالاری مخالف است و با آن مبارزه می‌کند؛ اما چنانچه مردسالاری و پدرسالاری به معنای حق سرپرستی مرد بر خانواده باشد و پدر بتواند بر اساس حفظ مصالح فرزندان،



امور آنان را سامان بخشد، این‌گونه مردسالاری و پدرسالاری از نظر اسلام مورد تأیید است. با این توضیح، مسئلهٔ مردسالاری (سرپرستی مرد) در خانواده‌های ایرانی تا آن‌جا که در چارچوب قوانین اسلامی محقق شود، نه‌تنها نامناسب نیست، مورد توصیه و سفارش است؛ اما اگر مردسالاری به معنای ظلم و ستم و حاکمیت مستبدانه مرد بر خانواده باشد، قطعاً مورد تأیید اسلام نیست. مردسالاری و مردمحوریِ غلط، گاه به حاکمیت فرزندان پسر در خانواده می‌انجامد تا آن‌جا که اینان تصور می‌کنند بر دختران خانواده برتری دارند و باید از امتیازات ویژه‌ای برخوردار باشند. در این‌گونه خانواده‌ها پسران به دختران امر و نهی می‌کنند و گاه رفتارهای خشونت‌آمیزی را نیز از خود بروز می‌دهند. از نظر اسلام چنین رفتاری مورد تأیید نیست. فرزند پسر در خانواده، حق ولایت و سرپرستی و امر و نهی نسبت به فرزند دختر را ندارد. البته در فضای اخلاق سالم خانوادگی، فرزند پسر بهترین حامی و مدافع فرزندان دختر در برابر حوادث احتمالی است و در برآوردن نیازهای خواهر یا خواهران خود به‌ویژه در خارج از محیط خانه نقشی مثبت و مؤثر ایفا می‌کند.



نیاید از این نکته مهم غفلت ورزید که سرپرستی پدر نسبت به فرزندان و حق ولایت او در امور فرزندان به ویژه تا قبل از سن رشد آنان، نقشی بسیار مهم در تربیت دینی و انسانی آنها ایفا می‌کند و از همین رو باید مراقبت شود که با واژه‌هایی هم‌چون پدرسالاری، نقش‌های بی‌بدیل پدر در خانواده کمرنگ نشود.



## فمینیسم

۱۴) فمینیسم چیست؟ آیا فمینیسم از حقوق

زنان دفاع می‌کند؟

از قرن ۱۹ میلادی به بعد در دنیای غرب به‌ویژه آمریکا، گروهی از زنان و مردان با شعار دفاع از حقوق زن و مرد، خواستار برابری و همانندی زن و مرد در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی شدند. این جریان در طول زمان، حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی گروه‌های مختلفی از زنان را به دنبال داشت.

افزون بر حرکت‌ها و تلاش‌های سازمان یافته، تفکر و اندیشه تشابه و برابری زن و مرد در همه عرصه‌ها به‌مرور زمان به یک جریان فکری تبدیل شد. امروزه در جهان غرب، به حرکت‌ها و جنبش‌های داعیه‌دار دفاع از حقوق زنان و اندیشه‌هایی که در این مسیر حرکت می‌کنند «فمینیسم» گفته می‌شود. به عبارت دیگر فمینیسم، نهضتی اجتماعی یا ایدئولوژی و تفکری است که ادعای دفاع از حقوق زنان را در قالب اعتقاد به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی،

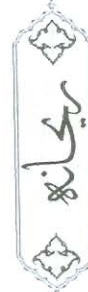
اقتصادی و سیاسی دنبال می‌کند. فمینیسم یکی از اهداف اساسی خود را از بین بردن سلطهٔ مردان بر جامعه می‌داند.<sup>۷۸</sup>

در گذشته، زن و مرد در خانواده، یکدیگر را یار و همراه و همدل می‌دانستند و غم هم را می‌خوردند و وجود خویش را نثار هم می‌کردند. مرد در کنار دفاع و حمایت از خانواده، خود را در اختیار همسر و فرزندان قرار می‌داد و حاصل دست‌رنج خویش را برای آنان هزینه می‌کرد. زن نیز با تمام وجود، خود را در خدمت همسر و فرزندان قرار داده بود؛ اما امروزه در بسیاری از نقاط جهان که تفکر دنیاطلبی و خودمحوری و لذت‌گرایی حاکم شده است، خانواده بیشتر شبیه جایی برای رفع خستگی است و اعضای آن یکدیگر را رقیب خویش تلقی می‌کنند و هر کس به دنبال دست‌یابی به اهداف فردگرایانهٔ خویش است.



۷۸. Feminine در زبان انگلیسی به معنای مونث می‌باشد و Feminism یعنی تفکر و اندیشه مؤنث‌گرایی و Feminist (فمینیست) یعنی کسی که طرفدار تفکر زن‌گرایی و مؤنث‌گرایی است. ترجمه فارسی این واژه را می‌توان زن‌محوری و زن‌گرایی نامید. رک: باقر ساروخانی، درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۸۱ و علی آقابخشی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، ص ۲۵۱، ۱۳۷۹

فمینیست‌ها با آنکه ستیز با مردان را سرلوحهٔ حرکت‌های خود قرار داده‌اند، شعار دیگر آنان یعنی تشابه و برابری زن و مرد در همهٔ عرصه‌های حیات بشری، بر برتری مردان دلالت دارد. فمینیست‌ها از زنان می‌خواهند که در همهٔ زمینه‌ها همانند مردان باشند و نشان دهند توانایی‌های زنان نیز مانند مردان است، غافل از آنکه این شعار بدین معناست که چون کارها و صفات مردانه همگی ایده‌آل و ارزشمند است، بنابراین زنان باید هم‌چون مردان شوند. به بیان دیگر، آنان با سر دادن شعار برابری زن و مرد، زنانگی و روحیات زنانه را نشانهٔ ضعف و مردانگی و روحیات مردانه را نشان‌دهندهٔ اقتدار و موفقیت می‌دانند و از زنان می‌خواهند که به‌سوی مردانگی بروند. بنابراین فمینیست‌ها با این شعار و ایدهٔ خود عملاً اعلام کرده‌اند که مرد موجود برتر است در حالی که در تفکر اسلامی نه مرد موجود برتر است نه زن بلکه «هر چیز به‌جای خویش نیکوست» صفات و روحیات مردانه و زنانه هر کدام از حکمت الهی ناشی شده است و هریک برای تکامل بشر لازم و ضروری‌اند.



سؤال اساسی این است که آیا فمینیسم توانسته است از حقوق زنان به معنای واقعی آن دفاع کند؟ پاسخ منفی است. فمینیسم به دلیل آنکه دفاع از حقوق زنان را با اندیشه‌ای مادی و روشی نادرست دنبال کرده است، نه تنها نتایج قابل قبولی برای زنان نداشته است، آسیب‌های جبران‌ناپذیری نیز از خود بر جای گذاشته است. می‌توان نقاط ضعف و نارسایی‌های فمینیسم را در موارد زیر برشمرد.

### الف) نگاه مادی به انسان:

فمینیسم با نگاه مادی به انسان و تفسیری خودخواهانه و خودمدار از او، رقابتی سخت میان زن و مرد را به تصویر کشید. از نگاه مادی و الحادی فمینیست‌ها، انسان موجودی است که تنها باید در اندیشه لذت‌های دنیایی باشد. ارزش و موفقیت انسان در شهرت، ثروت، موقعیت اجتماعی و لذت و رفاه مادی است؛ بنابراین زنان و مردان باید در مسابقه دست‌یابی به رفاه و لذت دنیا از یکدیگر سبقت گیرند و در این تفکر، ایثار و گذشت در خانواده، عمل به وظیفه الهی و جلب رضایت پروردگار جایی ندارد. در این دیدگاه، آرامش روان



تنها با کامیابی‌های مادی به دست می‌آید و بندگی و پرستش خداوند جایی در کسب آرامش واقعی ندارد.

### ب) جنگ علیه مردان:

فمینیست‌ها بر اساس تفسیری غلط از حیات اجتماعی بشر، مرد را عامل همهٔ ظلم‌ها و تبعیض‌ها بر ضد زن معرفی کرده‌اند و معتقدند برای رهایی زنان از ستم مردان باید مردسالاری از خانواده و جامعه حذف شود و زنان در همهٔ ابعاد حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی قدرت را از مردان بازستانند. فمینیست‌ها مردان را رقیب اصلی زنان می‌دانند و با این تفکر، درگیری و خصومت میان زنان و مردان را در جامعه و خانواده توسعه می‌دهند.

### ج) مخالفت با خانواده:

برخی فمینیست‌های تندرو به منظور مخالفت با سلطهٔ مردان بر زنان، شعار مخالفت با ازدواج و تشکیل خانواده را مطرح ساخته و ازدواج را عامل اسارت زنان قلمداد کرده‌اند. اینان به زنان توصیه کرده‌اند که به ازدواج تن ندهند. البته بسیاری از فمینیست‌ها این ایدهٔ فمینیست‌های تندرو (رادیکال)





را نپذیرفته‌اند و به همین جهت فمینیست‌های  
امروزی مخالفتی با تشکیل خانواده ندارند هرچند  
شعار برابری و تشابه زن و مرد در خانواده را با تمام  
توان دنبال می‌کنند.

تفکر فمینیستی در عصر حاضر، توسط نهادهای  
بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل دنبال می‌شود و این  
سازمان‌ها می‌کوشند فمینیسم را در سراسر جهان  
توسعه بخشند. مهم‌ترین منبع و جریان فمینیستی  
در حال حاضر معاهده‌ای است با نام «کنوانسیون  
رفع همه‌شکل‌های تبعیض علیه زنان» که توسط  
بسیاری از کشورهای جهان به تصویب رسیده است  
و سازمان ملل می‌کوشد همه‌کشورها را به این  
معاهده ملحق سازد و آنان را به اجرای مفاد آن  
ملتزم و ترغیب کند. بر اساس این کنوانسیون،  
دولت‌های عضو باید تمام تلاش خود را به کار برند  
تا همه‌تفاوت‌ها و تمایزهایی که میان زن و مرد  
وجود دارد، با اقدامی تحت‌عنوان «رفع تبعیض از  
زنان» برداشته شود و فرهنگ تشابه و همانندی زن  
و مرد، جایگزین فرهنگ تفاوت گردد و این تفکر در  
واقع، نفی همه‌احکام و قوانینی است که در تفکر  
اسلامی در باب تفاوت‌های زن و مرد وجود دارد.

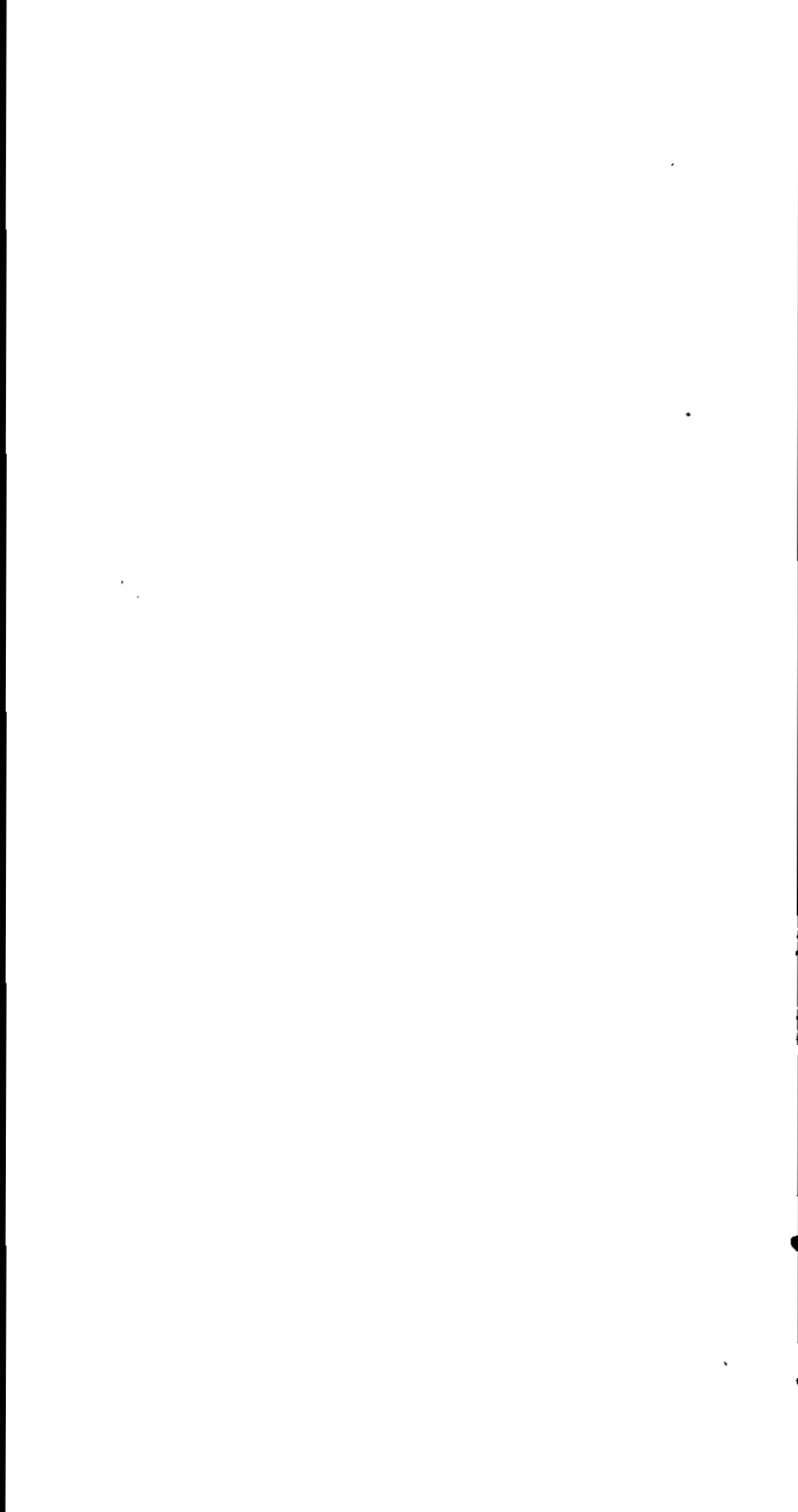


---

فهرست منابع

---





## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه.

۲. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن

العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق،

چاپ اول

۳. آقا بخشی، علی، افشاری راد مینو، فرهنگ

علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹

۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر

القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، چاپ اول

۵. بشوی، محمد یعقوب، شخصیت حضرت

زهرا علیها السلام از منظر تفاسیر اهل سنت، قم،

بوستان کتاب، ۱۳۸۶، چاپ اول

۶. بیس، آلن و باربارا، آنچه زنان و مردان

نمی دانند، ترجمه: زهرا افتخاری،

تهران، انتشارات نسل نو اندیش، ۱۳۸۴

۷. جمعی از نویسندگان، کتاب زن، تهران،

امیرکبیر، ۱۳۸۱



۸. حسکانی، عبیدالله بن احمد، **شواهد التزیل**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق، چاپ اول
۹. حکیم پور، محمد، **زن در کشاکش سنت و تجدد**، تهران، نغمه نواندیش، ۱۳۸۴، چاپ دوم
۱۰. زیبایی نژاد، محمدرضا، **سبحانی محمدتقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵، چاپ سوم
۱۱. ساروخانی، باقر، **درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی**، تهران، جهان، ۱۳۷۵
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق، چاپ سوم
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرين**، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵، چاپ سوم



۱۵. طوسی، محمدبن حسن، الغیبة، قم، مؤسسة

المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق

۱۶. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر،

تهران، کتابخانه علمی، ۱۳۸۰ق

۱۷. کارلسون، کان جی و دیگران، بهداشت روانی

زنان، ترجمه: خدیجه ابوالعالی و

دیگران، تهران، انتشارات ساوالان، ۱۳۷۹

۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران،

دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم

۱۹. گلن، ویلیام، هنری مرتن، کتاب مقدس عهد

عتیق و عهد جدید، ترجمه: فاضل خان

همدانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹

۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت،

مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم

۲۱. شریف عبدالعظیم محمد، زن در

اسلام، مسیحیت و یهودیت، قم، مرکز نشر

هاجر، ۱۳۸۹، چاپ اول



۲۲. محمدی ری شهری، محمد، **حکمت‌نامهٔ کودک**، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۹، چاپ پنجم

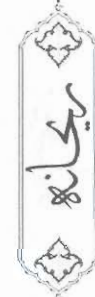
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۶۳، چاپ اول

۲۴. مطهری، مرتضی، **نبوت**، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، چاپ اول

۲۵. مطهری، مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران، صدرا، ۱۳۸۷، چاپ چهل و نهم

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۵۸

۲۷. مهریزی، مهدی، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲، چاپ اول.



*Position and  
Place of woman*

*By: seyed jafar Haghshenas*



شرکت چاپ و نشر بین الملل

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۲۳-۷

فروشگاه مرکزی - تهران - میدان فلسطین

تلفن: ۸۸۹۰۳۸۴۳ - ۸۸۹۲۱۹۸۰

Email: [intlpub@intlpub.ir](mailto:intlpub@intlpub.ir)

[WWW.intlpub.ir](http://WWW.intlpub.ir)

